



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir



ادبیات پایداری
بازنگاهی بر عاشورا

دکتر سید محمد شاد



دانشگاه خوارزمی

تهران، ۱۳۹۸

۹۷۸۹۶۵۴۳۲۱۰

۹۷۸۹۶۵۴۳۲۱۰

۹۷۸۹۶۵۴۳۲۱۰

۹۷۸۹۶۵۴۳۲۱۰

۹۷۸۹۶۵۴۳۲۱۰

۹۷۸۹۶۵۴۳۲۱۰

۹۷۸۹۶۵۴۳۲۱۰

۹۷۸۹۶۵۴۳۲۱۰

۹۷۸۹۶۵۴۳۲۱۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ادبیات پایداری با نگاهی به عاشورا

نویسنده:

عفت جامه شورانی

ناشر چاپی:

موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	ادبیات پایداری با نگاهی به عاشورا
۸	مشخصات کتاب
۹	اشاره
۱۳	فهرست صفحه
۱۷	تقدیم به
۱۹	سخن ناشر
۲۳	پیشگفتار
۲۵	فصل اول
۲۵	گذری بر ادبیات پایداری عرب
۲۵	اشاره
۲۷	ادبیات پایداری در لغت و اصطلاح
۲۹	شعر پایداری عرب، پیشینه آن و قیام عاشورا
۳۴	شعر ادبیات پایداری عرب در دوره معاصر
۳۶	شاخص‌های شعر مقاومت عرب
۳۶	اشاره
۳۶	۱- عشق به وطن و ستایش شهیدان
۳۷	۲- بیان هویت و غیرت ملی
۳۸	۳- دعوت به بیداری و جهاد و القای امید به آینده
۳۸	۴- تأکید بر حرکت‌های مردمی
۳۹	۵- دعوت به اتحاد و دوری از تفرقه
۴۲	۶- شناساندن چهره ظالم و بیان بیدادگری‌های او
۴۳	گرایش‌های مختلف شعر پایداری عرب
۴۳	اشاره

۴۳	۱- گرایش ملی و قومی
۴۴	۲- دینی و مذهبی
۴۵	۳- تاریخی و اساطیری
۴۵	۴- جهانی و انسانی
۴۸	فصل دوم
۴۸	ادبیات پایداری ایران
۴۸	اشاره
۵۴	حوزه های ادب پایداری ایران
۵۴	اشاره
۵۴	۱- حوزه آرمان ها و تفکرات
۵۵	۲- حوزه بیان شجاعت و ستایش فتح ها
۵۵	۳- حوزه سوگسرایبی و یادکرد فجایع جنگ
۵۵	ادبیات پایداری در دوران معاصر
۶۰	مروری بر وضعیت سیاسی، اجتماعی ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی
۶۳	مروری بر وضعیت فرهنگی ایران
۷۱	جامعه شناسی ادبیات پایداری ایران
۷۱	اشاره
۷۲	تعهد
۷۳	حضور و نقش مردم
۷۳	تحولات اجتماعی
۷۴	رهبران معنوی
۷۴	ادبیات پایداری در دوره انقلاب اسلامی
۷۶	گذری بر شعر عاشورایی بعد از انقلاب اسلامی
۱۰۵	ادبیات دفاع مقدس و فرهنگ عاشورا
۱۱۰	فصل سوم
۱۱۰	شاخص های ادبیات پایداری در نظم و نثر دفاع مقدس

۱۱۰ اشاره
۱۱۲ الگوهای مذهبی و تاریخی
۱۱۲ اشاره
۱۱۲ سوگ
۱۱۳ حماسه
۱۱۳ شیفتگی (حب)
۱۱۴ پیام
۱۱۶ وصف شهید و شهادت
۱۱۹ میهن دوستی
۱۲۲ توصیف جانبازان
۱۲۵ ستایش رزمندگان
۱۲۷ استناد به متون دینی و مذهبی
۱۲۸ تحقیر و هجو دشمن
۱۲۸ ترسیم چهره رنج کشیده و مظلوم مردم
۱۳۱ دعوت به مبارزه و پایداری
۱۳۳ القای امید به آینده
۱۳۷ منابع
۱۴۳ درباره مرکز

ادبیات پایداری با نگاهی به عاشورا

مشخصات کتاب

سرشناسه : جامه شورانی، عفت، ۱۳۵۶-

عنوان و نام پدیدآور : ادبیات پایداری با نگاهی به عاشورا/ عفت جامه شورانی؛ ویراستار عبدالله حکیم.

مشخصات نشر : تهران: موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، انتشارات، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری : ح، ۱۰۶ ص؛ ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س م.

شابک : ۱۶۰۰۰۰ ریال : ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۹۴-۳۷-۱

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : پشت جلد به انگلیسی: Efat Jameshorani. Literature of resistance with regard to Ashoura.

یادداشت : کتابنامه: ص. [۱۰۱] - ۱۰۶.

موضوع : جنگ و ادبیات -- ایران

موضوع : War and literature -- Iran

موضوع : جنگ در ادبیات

موضوع : War in literature

موضوع : شعر انقلابی عربی -- تاریخ و نقد

موضوع : Revolutionary poetry, Arabic -- History and criticism

موضوع : جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- ادبیات و جنگ -- تاریخ و نقد

موضوع : Iran-Iraq War, ۱۹۸۰-۱۹۸۸ -- Literature and the war -- History and criticism

موضوع : ایران -- تاریخ -- انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷ -- ادبیات و انقلاب

موضوع : Iran -- History -- Islamic Revolution, ۱۹۷۹ -- Literature and the revolution

شناسه افزوده : موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس. انتشارات

رده بندی کنگره : PIR۴۱۹۱

رده بندی دیویی : ۱/۰۰۸۳۵۸۸۸

شماره کتابشناسی ملی : ۵۶۹۶۷۳۸

ص: ۱

اشاره

ص: ۳

ادبیات پایداری با نگاهی به عاشورا

عفت جامه شورانی

ص: ۴

نام کتاب: ادبیات پایداری با نگاهی به عاشورا

نویسنده: عفت جامه شورانی

ناشر: انتشارات موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس تهران

ویراستار: عبدالله حکیم

صفحه آرایی: وحیدرضا بابایی

طراح جلد: شبیر ترابی

نوبت چاپ: اول، زمستان ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: تومان

شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۸۰۹۴ - ۳۷ - ۱

نشانی: بزرگراه همت، خروجی باغ کتاب، باغ موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس

تلفن: ۰۲۱ - ۸۸۷۸۵۴۶۵

فهرست صفحه

فصل اول. ۷

گذری بر ادبیات پایداری عرب... ۷

ادبیات پایداری در لغت و اصطلاح.. ۸

شعر ادبیات پایداری عرب در دوره معاصر. ۱۲

شاخص‌های شعر مقاومت عرب... ۱۳

۱- عشق به وطن و ستایش شهیدان. ۱۳

۲- بیان هویت و غیرت ملی.. ۱۴

۳- دعوت به بیداری و جهاد و القای امید به آینده ۱۵

۴- تأکید بر حرکت‌های مردمی.. ۱۵

۵- دعوت به اتحاد و دوری از تفرقه. ۱۶

۶- شناساندن چهره‌ی ظالم و بیان بیدادگری‌های او. ۱۷

گرایش‌های مختلف شعر پایداری عرب... ۱۸

۱- گرایش ملی و قومی.. ۱۸

۲- دینی و مذهبی.. ۱۹

۳- تاریخی و اساطیری.. ۱۹

۴- جهانی و انسانی.. ۲۰

فصل دوم. ۲۲

ادبیات پایداری ایران. ۲۲

حوزه‌های ادب پایداری ایران. ۲۵

۱- حوزه آرمان‌ها و تفکرات... ۲۵

۲- حوزه بیان شجاعت و ستایش فتح‌ها ۲۵

۳- حوزه سوگ سرایی و یادکرد فجایع جنگ... ۲۶

ادبیات پایداری در دوران معاصر. ۲۶

مروری بر وضعیت سیاسی، اجتماعی ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی.. ۲۹

مروری بر وضعیت فرهنگی ایران. ۳۱

جامعه‌شناسی ادبیات پایداری ایران. ۳۶

ادبیات پایداری در دوره انقلاب اسلامی.. ۳۸

گذری بر شعر عاشورایی بعد از انقلاب اسلامی.. ۳۹

ادبیات دفاع مقدس و فرهنگ عاشورا ۵۵

فصل سوم. ۵۸

شاخص‌های ادبیات پایداری در نظم و نثر دفاع مقدس.... ۵۸

الگوهای مذهبی و تاریخی.. ۵۹

سوگ... ۵۹

حماسه. ۵۹

شیفتگی (حب) ۵۹

پیام. ۶۰

وصف شهید و شهادت... ۶۱

میهن دوستی.. ۶۳

توصیف جانبازان. ۶۳

ستایش رزمندگان. ۶۵

استناد به متون دینی و مذهبی.. ۶۶

تحقیر و هجو دشمن.. ۶۶

ترسیم چهره رنج کشیده و مظلوم مردم. ۶۷

دعوت به مبارزه و پایداری.. ۶۸

القای امید به آینده ۶۹

منابع.. ۷۰

تقدیم به

شهیدان و ظنم ایران که با اقتدا به آقا امام حسین (ع) کربلائی دیگر آفریدند. به آنان که از اسارت‌کنده خاک، هزار هزار خورشید در نگاهشان شکفت و در جشن شکفتنشان خدا هر چه فرشته داشت، به ضیافت خاک فرستاد.

تقدیم به آنان که خواستند تا پژواک آرمان‌هایشان طلسم خواب‌ها را درهم‌شکند تا پیامی باشند برای همه ماندگان و رخوت‌زدگان خاک. به آنان که خواستند تا با شکوه عمل، نسیم خدا را در کوچه‌های شب‌زده‌دل‌ها بگشایند. و به آنان که دیدند سایه‌های وحشت را بر سرزمین ایران و گفتند: انتظار بیهوده است، اگر نرویم خورشید می‌میرد و دیدیم که همت آنان همه قفل‌ها را شکست و در خیل چشمان بهت‌زده هزاران بوم شوم، ایران سرزمین دلیران بار دیگر بر تارک جهان درخشید.

سخن ناشر

به نام او

که قلم را به قسم

به تقدس بر آورد

انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، مقطعی مهم، اثرگذار و سرنوشت ساز در تاریخ درخشان ایران زمین و سرمایه ای عظیم از میراث فکری، فرهنگی و تمدنی کشور عزیزمان است که باید به درستی معرفی شود و برای نسل های آینده محفوظ و ماندگار بماند. آیندگان باید این بازه بی نظیر تاریخ را به خوبی بشناسند و به طور ویژه بدانند که در نیم قرن اخیر چه ماجراهای تلخ و شیرین و چه حادثه هایی بر کشور و ملت ایران گذشته است.

این آگاهی، تضمین کننده انتقال فرهنگ و ارزش های پربار این سرزمین به نسلهای بعد و پلی برای انتقال تمدن بین نسلی به شمار می آید. در واقع

این آگاهی ضامن حفظ و بقای اهداف و آرمان های انقلاب اسلامی خواهد بود و ارزشهایی را که پاکترین جوانان وطن، گران بهاترین دارایی خود را به پای آن نثار کردند، پایدار و جاودانه خواهد نمود.

مراکزی همچون موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس که ویژگی های کم نظیر و کارکردی فرا ملی، فرا جناحی و فرا دستگامی دارند می توانند پیشتاز تحقق این رسالت تاریخی و ملی باشند. این مهم مستلزم آن است که موزه از همه ظرفیت های بالقوه و بالفعل خود بهره گیرد و با ایجاد گفتمان نخبگانی و فرهنگ سازی عمومی، زمینه استفاده از تجارب و اندوخته های فکری، فرهنگی و ارزشی پیشکسوتان و ایثارگران عرصه حماسه، مقاومت، استقلال و سربلندی کشور را برای بهره گیری نسل نو فراهم آورد.

یکی از ظرفیت های راهبردی موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس که می تواند این مأموریت خطیر را با ظرافت، هنرمندی و مانایی انجام دهد، حوزه نشر، کتاب و مطالعه است. کتاب به عنوان میراث ماندگار فرهنگ بشری و قلم به مثابه بی همتاترین ابزار ثبت و ضبط دستاوردهای فکری و فرهنگی انسان، بهترین شیوه برای به تحریر و تصویر درآوردن گفتمان انقلاب اسلامی و عرضه آن به نسل های آینده است.

از این رو، موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس با درک این مسئولیت گران سنگ و حساسیت های مترتب بر آن، به تدوین و انتشار مفاهیم اصیل و ناب انقلاب اسلامی و دفاع مقدس و

فرهنگ مقاومت همت گماشته و می کوشد آثاری فاخر و در تراز مخاطبان فهیم و علاقه مند به این راه پر افتخار ارائه نماید.

امید که در پیشگاه خداوند متعال، اولیا و شهدای راه حق، به ویژه ایثارگران و شهیدان انقلاب اسلامی و دوران پر افتخار پس از آن رو سپید و سرافراز باشیم. ان شاءالله

انتشارات موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس

پیشگفتار

ادبیات پایداری نوعی از ادبیات است که در آن به بیان مظلومیت‌ها و رنج‌های مردمی می‌پردازد که گرفتار نظامی استبدادی هستند. این نوع از ادبیات با توجه به مقتضیات دوره‌های مختلف بروز پیدا می‌کند. پیام‌ها و مضمون‌های نهفته در ادبیات پایداری می‌تواند متفاوت باشد. اما آنچه در نظم و نثر آن عمومیت دارد، نهی سکوت در برابر استبداد، بیان مظلومیت‌ها و رنج‌ها، ستایش مجاهدان راه آزادی و آزادگی، قیام در برابر ظلم، ارج نهادن به سرزمین و امید به آینده‌ای پیروز است.

همان‌طور که می‌دانیم واژه مقاومت و ادب مقاومت برگرفته از ادبیات و فرهنگ عرب است که در دهه شصت در ایران کاربرد یافته است و معادل فارسی آن «ادبیات پایداری» نیز به کار می‌رود. لازم به ذکر است زیباترین سروده‌های پایداری در تاریخ اسلام را باید در حماسه شگفت و عظیم عاشورا جست. قیام عاشورا بعنوان مهم‌ترین حادثه در تاریخ تشیع، تأثیر بسیاری در نگاه و رفتار شیعیان داشته است به‌ویژه آنکه در

انقلاب و جنگ تحمیلی، به ملت ایران پشتوانه‌ای حماسی، عاطفی و نیرویی معنوی عطا کرد و همگام با آن شاعران متعهد و انقلابی نیز از واقعه عاشورا و امام حسین (ع) الهامات بسیار گرفته‌اند. بنابراین مطالعه ادبیات و فرهنگ پایداری مبتنی بر آموزه‌های اسلام به آیندگان، می‌تواند این میراث گران بها را به آنان منتقل کند.

بر این اساس پژوهش حاضر در چند فصل تدوین شده است. فصل اول این اثر به شعر پایداری عرب، پیشینه، شاخص‌ها و گرایش‌های آن پرداخته است؛ در فصل دوم، ادبیات پایداری در ایران، حوزه‌های ادبیات پایداری ایران و سپس شعر انقلاب و دفاع مقدس با تأثیر از واقعه عاشورا بررسی شده است و در فصل سوم شاخص‌های ادبیات پایداری با نگاهی به واقعه عاشورا در نظم و نثر دفاع مقدس ذکر گردیده است.

در پایان از استاد محترم دکتر محمدرضا سنگری که همواره مشوق بنده در این راستا بوده‌اند همچنین دکتر مرتضی هادیان، همکار فاضل و سخت‌کوش و تمامی متصدیان باغ موزه دفاع مقدس که هر یک به شکلی در سامان دادن این کتاب نقش داشته‌اند، قدردانی می‌نمایم.

ص: ۳

فصل اول

گذری بر ادبیات پایداری عرب

اشاره

ادبیات پایداری در لغت و اصطلاح

ادبیات پایداری نوعی از ادبیات است که در آن به بیان مظلومیت های مردمی می پردازد که گرفتار نظامی استبدادی هستند این نوع از ادبیات با توجه به مقتضیات زمان در دوره های مختلف بروز پیدا می کند. نهی سکوت در برابر استبداد، بیان مظلومیت ها و رنج ها، ستایش مجاهدان راه آزادی و آزادگی، قیام در برابر ظلم، ارج نهادن به سرزمین و امید به آینده ای پیروز از جمله پیام های ادبیات پایداری است. در یک تعریف کلی به سروده ها و نوشته هایی که موضوع اصلی آن، دعوت به مبارزه و پایداری در برابر متجاوزین باشد، ادبیات پایداری یا مقاومت می گویند.

درواقع «ادبیات پایداری عبارت است از آثاری که تحت تأثیر شرایطی چون اختناق و استبداد داخلی، نبود آزادی های فردی و اجتماعی، قانون گریزی و قانون ستیزی با پایگاه های قدرت، غصب و غارت سرزمین و سرمایه های ملی و فردی و... شکل می گیرند؛ و جان مایه این آثار، مبارزه با بیداد

داخلی یا تجاوز بیرونی در همه حوزه های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و ایستادگی در برابر جریان های ضد آزادی است» (سنگری، ۱۳۸۰: ۹). بنابراین ادبیات پایداری از طرف مردم و پیشروان فکری جامعه در برابر آنچه حیات معنوی و مادی آن ها را تهدید می کند به وجود می آید.

امیری خراسانی می گوید: «ادبیات پایداری، ادبیات ستیهندگی، عشق، حماسه و عرفان است. ادبیات توفنده و پرتلاطم که آسودگی به یأس و سکون را نمی پذیرد و بسان روح، پیوسته در کالبد خمود ادبیات هر عصر دمیده می شود؛ درواقع این گونه ادبی، در طول تاریخ و در کشاکش تهاجم قدرت ها و تدافع جوامع سلطه ناپذیر، همواره به مثابه ابزار و سلاحی بازدارنده رخ نموده و موجبات احیاء تداوم و بقای فرهنگی جوامع مورد هجوم یا تحت سلطه را فراهم آورده است» (امیری خراسانی ۱۳۸۷: ۹۰). به عبارتی با سلاح واژه به ستیز بدی رفتن و برای آگاهی و بیداری مردم نظم و نثر پدید آوردن، ادبیات مقاومت را می سازد.

ادبیات مقاومت مواردی چون هجو، طنز، حبسیه، داستان، نمایش و سروده های اعتراضی را در حوزه خود قرار می دهد. موضوع آن مبارزه در برابر هر نوع استبداد، تحقیر و بندگی است. واژه مقاومت و ادب مقاومت برگرفته از ادبیات عرب است و «ادب المقامه» در دهه شصت در ایران کاربرد یافت و معادل فارسی آن «ادبیات پایداری» نیز به کار می رود. لذا در ادامه به شعر پایداری عرب و پیشینه می پردازیم.

شعر پایداری عرب، پیشینه آن و قیام عاشورا

در قلمرو تاریخ اسلام، از سپیده دم ظهور و بعثت پیامبر(ص) در مقابل مفاخره‌ها و خودستایی‌های پوک جاهلیت که گاه شیخون‌ها، قتل‌ها، دزدی‌ها و سیاهی‌های دهشت‌زای خویش را می‌ستودند، زبانی فاخر و با شکوه چهره نمود که ادبیات پیشین در مقابل آن با همه قدرت و توان بی‌رنگ و بی‌فروغ شد. «شاید نخستین سروده‌هایی که در ستایش و دفاع از ساحت پیامبر(ص) و مسلمانان شکنجه‌شده سروده شد، قصاید ابوطالب باشد. هنگامی که ابوطالب دید کار به سختی کشیده و هر قبیله‌ای از قریش، افراد مسلمان شده خود را شکنجه می‌دهند و از دینشان باز می‌دارند، در میان بنی‌هاشم و بنی‌مطلب و عبدمناف به پا خاست و آنان را به حمایت از رسول خدا(ص) و نگهداری وی دعوت کرد. سپس همگی جز ابولهب به وی پیوستند و دعوت وی را در حمایت از رسول خدا(ص) پذیرفتند. ابوطالب که بدین کار، شادمان شده بود، قصیده‌ای در مدح آنان و فضل رسول خدا(ص) گفت که ابیاتی از آن چنین است:

«اذا جتمعت یوماً قریش لمفخر

فان حصلت اشراف عبد منافها

وان فخرت یوماً فان محمداً

فعد مناف سرها و صمیمها

فقی هاشم اشرافها و قدیمها

هو المصطفی من سرها و کریمها!»

اگر روزی قریش برای مباحات و افتخار گرد آیند / عبد مناف روح و قلب آن است

و اگر اشراف عبد مناف را بخواهیم / شرافت و پیشتازی در بنی هاشم است

اگر افتخار هاشم را بخواهیم / محمد مصطفی(ص)... بزرگ و بزرگوار آنان است. (سنگری، ۱۳۸۵: ۲۷).

پس از انتشار خبر بعثت پیامبر(ص) و بازگشت اعراب به بلاد مختلف از اولین حج بعد از بعثت، باز ابوطالب نگران حال پیامبر(ص) و حمله اعراب و پشتیبانی قریش بود و این دلواپسی خویش را در قصیده‌ای سرود و تمام جان و هستی خویش را در راه دفاع از پیامبر(ص) به میدان آورد. ابوطالب در این قصیده هشدار می‌دهد که اگر شما قصد قتل او را دارید ما با تمام هستی از او دفاع می‌کنیم. در این سروده ابوطالب، پیامبر(ص) را بزرگ قوم معرفی کرده و رها کردن او را علامت تباهی و فساد قوم قلمداد نموده است.

كذَّبْتُمْ و بَيْتَ اللَّهِ نُبِزِي مُحَمَّدًا

و نُسَلِّمُهُ حَتَّى نَصْرَعُ حَوْلَهُ

و مَا تَرَكَ قَوْمٌ - لَا ابَالَكَ سِيدًا

و لَمَّا نُطَاعِنُ دُونَهُ و نُنَا ضَلَّ

و نَذْهَلُ عَنِ ابْنَائِنَا الْحَلَائِلُ و

يَحُوطُهُ الذَّمَّارُ غَيْرَ ذَرَبٍ مُوَاكِلٌ»

(همان: ۲۸).

اما می‌توان گفت نخستین سروده در تاریخ اسلام در صحنه نبرد، از آن حمزه سیدالشهدا(ع) است. «در تمام غزوات و سرایا، همواره شاعرانی بوده‌اند که در توصیف صحنه رزم، کشته شدن دشمنان، هجو دشمن و توصیف مبارزات مجاهدان مسلمان سخن بگویند. سوگ سروده‌هایی نیز در همان صحنه نبرد بر فراز پیکر خون آلود شهیدان یا پس از نبرد سروده شده است که برخی از آن‌ها را در سیره ابن هشام و سیره النبوی می‌توان یافت» (همان: ۳۷).

«سروده های عصر پیامبر در تحلیل کلی و نهایی دارای مضامین زیر است:

۱. معرفی و تبیین مکتبی که پاسداری از آن حتی به بهای مبارزه کردن تا پای جان، ارزش دارد.

۲. شناساندن چهره پیامبر.

۳. ایجاد روحیه در افراد برای جنگ کردن تا پیروزی و امیدوار کردن آن‌ها به فرا رسیدن امداد الهی.

۴. ایجاد سستی و فترت در روحیه دشمن.

۵. توصیف شهیدان و ارزش شهادت.

۶. مرثیه و سوگ شهیدان.

۷. هجو دشمنان (چرا که پیامبر به شعرا می فرمود: دشمنان را هجو کنید) (همان: ۴۲ - ۴۳).

لازم به ذکر است که در عصر پیامبر و امامان، شعر تنهاترین و اصلی ترین رسانه ای بود که به دلیل رابطه اش با جامعه، کارکرد بسیار مؤثری داشت و شاعران جایگاه بالایی را به خود اختصاص داده بودند و شعرهای بسیاری برای ایجاد روحیه در افرادی که به جنگ می رفتند و نیز توصیف شهیدان و ارزش جهاد و مسائلی از این دست می سرودند. البته زیباترین سروده های پایداری در تاریخ اسلام را باید در حماسه شگفت و عظیم عاشورا جست و جو کرد. امام عاشورا خود چه در مسیر آمدن به کربلا و چه در عرصه نبرد، سروده هایی دارد که هر چند برخی از آن‌ها متعلق به شاعران بزرگ عرب مانند یزید بن مفرغ است، اما عمده آن‌ها بدیهه سرایی هایی هستند که امام به مقتضای حال و اوضاع سروده است.

«رجزهای امام حسین(ع) در صحنه نبرد، همگی شورانگیز و شکوهمند، حماسی و استوار و سرشار از مفاهیم و مضامین عمیق ایستادگی، پاک بازی و آزادگی است. پس از کربلا، هر چند دشمن بر این باور بود که همه چیز پایان یافته است، اما گویی این حادثه، خود آغاز راه بود؛ چنان که خطبه های شگفت آور و ستم برانداز حضرت زینب(س) و امام سجاد(ع) نمونه های درخشان ادب مقاومت در مقابل بیداد به شمار می روند. پس از آن نیز سروده های فرزاد به ویژه قصیده مشهور ایشان در مقابل هشام بن عبدالملک، سروده های شاعرانی چون داوود بن عباس یا داوود سلمی در سوگ شهیدان فخر، اشع بن عمر و سلمی در رثای حضرت رضا(ع)، مرثیه «دعبل بن علی خزاعی» که در رثای فرزندش احمد سروده و در آن به هجو خلفای عباسی و شهادت حضرت رضا(ع) اشاره کرده است، شعر «علی بن عباس رومی» در شهادت یحیی - از نوادگان زید بن علی - و سروده های شاعران بزرگ دیگر بارقه هایی بود در شب بیداد که چهره ستمگر را رسوا و حقیقت پنهان را آشکار می کرد. در تاریخ شیعه، ادب مقاومت جایگاهی رفیع و گسترده دارد (همان: ۴۴).

با وجود این حماسه عاشورا و قیام سیدالشهدا(ع) مهم ترین رخدادی بوده که باعث تحول مضمونی و معنایی در ادبیات عربی شده است. با این حال، در طول تاریخ، نگاه به این واقعه، همیشه یکسان نبوده و در این میان، شرایط سیاسی حاکم بر جوامع تأثیر چشمگیری در زاویه دید شاعران

نسبت به جریان عاشورا داشته است. بُعد فردی و اجتماعی شخصیت امام (ع) و میزان نگاه شاعران به هر یک از آن‌ها، از مسائل قابل بررسی در اشعار عاشورایی عربی است. همچنین تعبیر به کار گرفته شده آنان، حکایت از حضور ادبیات بکایی و حماسی دارد. گاهی نوع نگاه به عاشورا به عنوان یک تراژدی و گاهی به عنوان یک انقلاب و نهضت حیات بخش است. در دنیای عرب، حق طلبی شرافتمندانه، بیش از میدان‌های دیگر، به صورت ادبیات مقاومت آشکار شد.

همان گونه که در کار سیاسی، پیشگامی این حق طلبی با سوسیالیست‌های عربی بود، در کار ادبی نیز پیشتازی در دگرگونی با نویسندگان و شعرای سوسیالیست و کمونیست عرب بوده است. «در میان جنگ‌هایی که بین اعراب تحت اشغال اسرائیل انجام گرفت نسل نوینی به وجود آمد و چون نسل از قیود بردگی تعصب‌های مذهبی حکومت‌های عرب آزاد بود، هسته ادبیات نوینی را پرورش داد که با ادبیات عربی خارج از اسرائیل تفاوت‌هایی دارد. رئالیست بودن، خالی بودن از تعصبات مذهبی، حس قدرت طلبی، زورگویی و مشتمل بودن برحق طلبی و عدالت و مساوات و خواستن حق تعیین سرنوشت برای اعراب اسرائیل، از ویژگی‌های برجسته این ادبیات است. رشد و نمود این نوع ادب عربی در کشور اسرائیل تا پیش از جنگ ۱۹۶۷ بسیار محدود بود، زیرا که تحت فشار دولت اسرائیل بود و هیچ راهی برای انتشار جز انتشار نشریات چاپ اسرائیل نداشت لیکن پس از جنگ ۱۹۶۷ دو عامل موجب گسترش هر چه بیشتر آن گردید:

الف- اشغال شدن بخش های تازه ای از سرزمین های عرب نشین و روبه رو شدن با ستم ها و دربه دری ها و کشتار و شکنجه های جدید و در نتیجه بالا- گرفتن نیروی مقاومت عرب و پیدایش گروه های فدایی و انجام دادن قهرمانی ها و جان فشانی های چشم گیر؛

ب- آزاد شدن نسبی احزاب و نشریات چپ و رشد و توسعه افکار شرقی در کشورهای عربی همسایه اسرائیل.

این دو عامل سبب شد که این گونه ادب به نام ادبیات مقاومت و پایداری در همه محافل کشورهای عرب معرفی گردد (منزوی، ۱۳۸۴: ۳۲۰). از معروف ترین نویسندگان ادبیات مقاومت می توان افراد زیر را نام برد:

محمود درویش، شیخ قاسم، توفیق زیاد، سالم جبران، راشد حسینی، حنا ابوحننا، عصام عباسی، سلیم یوسف جبران، تالیف صالح سلیم، مثل حداد، عیسی لوبانی، فتحی قاسم، عمر محمود زغبی، طارق عون، یعقوب مجازی، امیل حبیبی هایل، عسافله، نبیل عوده، محمد نفاع، عنیف صلاح سالم و محمد علی عطیه.

شعر ادبیات پایداری عرب در دوره معاصر

شعر مقاومت به معنای رایج و امروزی، هرچند ادامه مقاومت در شعر کلاسیک عرب است، اما با افزوده شدن عناصری به آن، در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم با بیداری ملل عرب همراه شد و با رواج شعر نو در این قلمرو تجلی و وضوح یافته است. در آن روزگار سرزمین های عربی

تحت سیطره حکومت عثمانی بود و شاعرانی که احساس می کردند برای احراز هویت خود باید مردم را بیدار کنند به سرودن شعرهایی پرداختند که نفس آن اجتماعی و انقلابی پیدا بود. آنان مردم را برای اثبات وجود خود و حفظ و صیانت زبان عربی که مهم ترین شاخصه قومیت بود، به پایداری دعوت می کردند. از میان شاعران این دوره می توان به احمد شوقی و حافظ ابراهیم از مصر، معروف الرصافی و الزهادی از عراق، رشید سلیم الخوری و چند نفر دیگر اشاره کرد که بعدها الجواهری و ابراهیم طوقان شعر پایداری را ادامه دادند.

نوآوری محتوایی در شعر عرب در دهه های نخستین قرن حاضر در اوج بود، اما نوآوری و تجدید در قالب ها، دو سه سال پس از پایان جنگ دوم جهانی ظاهر گردید. نخستین شاعرانی که دست به شکستن قالب ها زدند، بدر شاکر السیاب و نازک الملائکه بودند که هر دو عراقی اند. پس از آنها شاعران دیگری از کشورهای عربی، هر کدام شیوه ای را در پیش گرفتند که آنان را در ردیف نخست و به عنوان نسل طلایه دار شعر نو می شناسند. شاعرانی مانند آدونیس و قبانی از سوریه، صلاح عبدالصبور از مصر، عبدالوهاب البیاتی و الحیدری از عراق... از جمله آنهاست. اما اتفاق دیگری که پس از جنگ جهانی دوم رخ داد، اعلام برپایی کشور اسرائیل و به رسمیت شناختن آن از سوی سازمان ملل بود. آواره شدن یک ملت از دیار خود ضربه ای بود که ادبیات پایداری را با هیمة ای تازه شعله ور ساخت و نوعی شعر پدید آورد که چند دهه است رواج گسترده ای دارد» (بیدج ۱۳۸۹: ۷۵).

اشاره

در اینجا به شاخص‌های شعر مقاومت عرب- هر چند به اختصار و با ذکر یک نمونه از شعر شاعران عرب می‌پردازیم تا رویکردها و مضامین این نوع شعر را بیش‌تر مشخص کرده باشیم. مضامینی که عبارت‌اند از: عشق به وطن و ستایش شهیدان، بیان هویت و غیرت ملی، دعوت به بیداری و جهاد و القای امید به آینده، تأکید و تکیه بر حرکت‌های مردمی، دعوت به اتحاد و دوری از تفرقه، شناساندن چهره‌ی ظالم و بیان بیدادگری‌های او و محکوم کردن سران و کارگزاران عرب.

۱- عشق به وطن و ستایش شهیدان

وطن و جان‌بازی در راه آن و شهادت، در فرهنگ عرب از اهمیت والایی برخوردار است. به طوری که این مضامین در ادبیات عرب، جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است. از این رو می‌توان ستایش وطن و تجلیل از جان‌باختگان و شهیدان را از شاخص‌های مهم دیگر ادبیات مقاومت عرب دانست. شهیدانی که به خاطر عشق به میهن، از جان خود گذشتند. این مبارزان در واقع هستی خود را به میدان نبرد بردند و نام وطن را نماد عظمت و افتخار و الگوی فداکاری ساختند. برای نمونه می‌توان از جبرا ابراهیم جبرا، شاعر پرآوازه فلسطینی نام برد که در شعرش از میهن نام برده و سرزمین خویش را مورد خطاب قرار می‌دهد و ضمن آن، از کودکی اش و خاطرات پیش از غصب کشورش سخن می‌گوید:

ای سرزمین ما، ای جایی که جوانی مان در تو

مانند رؤیایی، در سایه درخت های پرتقال

و میان درخت های بادام مزرعه ها گذشت

ما را به یاد بیاور، اینک که

میان خارهای بیابان ها

و کوه های سنگلاخ سرگردانیم (بدوی، ۱۳۶۹: ۵۲۴).

۲- بیان هویت و غیرت ملی

بیان آزادی و غیرت ملی از شاخص های مهم دیگر ادبیات پایداری عرب است که در شاعران عرب، بازتاب گسترده ای دارد. آزادی، آرمان آزادی خواهان است. ستیز با زندان، بند و اختناق، فضای پایداری شعر عرب را پر کرده است؛ در واقع، آزادی در ادبیات پایداری عرب، فرشته است، پیامبر است، نسیم و سبزه و درخت و بهار است و شاعر همواره در جست و جوی آن است که هویت آزادی و غیرت ملی را در شعرهایش به نمایش بگذارد. احمد الصافی النجفی شاعر عراقی، در شعری با عنوان «آزادی جاودان» می گوید:

پس از مرگم مرا در صحرا افکنید، چه خوش است زندگی و مرگ من در صحرا

در قبر حبسم مکنید چون که از زندان، حتی پس از مرگم بزارم

وقتی بدنم خورش کرکس ها و شیرهای درنده شود

اجزای پیکرم را خواهم دید که با من در هر سو در سیر و سیاحت اند

چه سفر بی نظیری است چنین سفری بعد از مرگ

که من در زندگی نیز به شوق آن جان می دادم (بدوی، ۱۳۶۹: ۱۴۳).

۳- دعوت به بیداری و جهاد و القای امید به آینده

شاعر و نویسنده عرب، از پس ابرهای تیره یأس و سرخوردگی که آسمان چشمان مردم تحت ستم و جور را فراگرفته است، به روشنایی افق فردا نظر دارد و می کوشد با نوید دادن شکست ستم و پیروزی عدالت، مردم را به جهاد دعوت کند و بارقه امید را در قلب ها روشن نگه دارد. به این ترتیب این رسالت، در آثار منظوم و منثور شاعران و نویسندگان عرب با بهره گیری از وعده های قرآنی صورت می گیرد و البته شاعران و نویسندگان نیز به شیوه های دیگری کوشند مردم را به پیروزی نهایی حق بر باطل امیدوار کنند.

۴- تأکید بر حرکت های مردمی

سخن گفتن از ملت و سرزمین و تکیه کردن بر حرکت های مردمی و جانبازی در راه وطن، از شاخص های اساسی و مهم دیگر در ادبیات مقاومت و پایداری عرب است. «در این راستا، برای تأثیرگذاری بیش تر و تأکید بر اهمیت مشارکت و تحرک مردم، شاعر مقاومت عرب، استفاده از نمادهای ملی و اسطوره را بسیار مفید می داند. از این رو در شعر خود از این نمادها بسیار بهره می گیرد. البته هر

یک از شاعران به نحوی از این نمادها بهره گرفته اند. «شاعران مصر فقط به اسطوره های عربی که در میراث عربی قدیم وجود دارد، به خصوص به داستان های الف لیله و لیله- هزار و یک شب- توجه دارند، ولی شاعران دیگر عرب به اساطیر کهن عربی اکتفا نمی کنند بلکه اسطوره های ملل قدیم جهان را نیز در شعرشان می آورند. اسطوره ها و نمادها پل پیوند گذشته و امروزند.

«نیاکان من آنان اند

که سنگ اهرام را برافراشتند

و گلدسته اسلام را ساختند

و ما در روزگار پرافتخارمان

آشتی را پایه گذاری می کنیم

سوگند به اهرام و اسلام و آشتی

که تو را خواهم کشت

با همه شرننگ هایی که تلخزار روزگار

به من چشاند

در خون تو شنا خواهم کرد (شکری، ۱۳۶۶: ۴۴۶).

۵- دعوت به اتحاد و دوری از تفرقه

شعر پایداری ملت خود را به وحدت و یکدلی دعوت می کند و از آن ها می خواهد اختلافات و دشمنی ها را کنار بگذارند و به عهد و پیمانشان در مورد استقلال و آزادی وطن وفادار باشند. برای نمونه

شعری از احمد شوقی - شاعر مصری - می آوریم. شاعر در این شعر بر موضوع تأکید می کند که کشته شدن و ترور «بطرس باشا» آن ها را از ادامه راه باز نداشته است:

سديدُ المرَامي قدر ماه مُسَدَد

تعالوا عسى نطوى الجفَاء و عهده

الم تكُ مصر مهْدنا ثم لَحَدنا

الم نكُ من قِبَلِ المسيحِ بنِ مريم

فهلا تسا قينا على حُبه الهوى

و ما زال منكم اهلٌ وُد رحمة

فلايثنكم عن ذمه قتلُ بَطْرُس

و داهيه السَّواس لاقى الدواھيا

و ننبذُ اسبابَ الشقاقِ نواحيا

و بينهما كانت لكل مغانيا؟

و موسى، وطه، نعبدُ النيلَ جاريا؟

وهلا فديناه ضفافا و واديا؟

و فى المسلمين الخيرُ ما زالَ باقيا

فقدما عرفنا القتل فى الناس فاشيا

سديدُ المرَامي قدر ماه مُسَدَد

تعالوا عسى نطوى الجفَاء و عهده

الم تكُ مصر مهْدنا ثم لَحَدنا

الم نكَّ من قِبَلِ الْمَسِيحِ بْنِ مَرْيَمَ

فَهَلَّا تَسْأَلُنَا عَلَى حُبِّهِ الْهُوَى

وَمَا زَالَ مِنْكُمْ أَهْلٌ يُدْرِحُهُ

فَلَا يَتَّخِذُكُمْ عَنْ ذِمَّةِ قَتْلِ بَطْرُسَ

وَدَاهِيَةِ السُّوَّاسِ لِأَقْيِ الدَّوَاهِيَا

وَنَبْذُ اسْبَابِ الشَّقَاقِ نَوَاحِيَا

وَبَيْنَهُمَا كَانَتْ لِكُلِّ مَغَانِيَا؟

وَمُوسَى، وَطَهَ، نَعْبُدُ النَّيْلَ جَارِيَا؟

وَهَلَّا فِدِينَاهُ ضَفَافَا وَوَادِيَا؟

وَفِي الْمُسْلِمِينَ الْخَيْرُ مَا زَالَ بَاقِيَا

فَقَدَمَا عَرَفْنَا الْقَتْلَ فِي النَّاسِ فَاشِيَا

(شوقی، ۱۹۹۵/۳: ۳۲۵-۳۲۶)

او فردی با هدف بود که هدف تیر قرار گرفت و باتدبیرترین مردم بود که گرفتار مصیبت شد/ بیایید شاید دشمنی‌ها و جور و جفا را کنار بگذاریم و اسباب کینه را دور بریزیم/ آیا مصر گهواره و آرامگاه ما نیست که همواره در آن به آرامش می‌رسیم؟ آیا قومی نیستیم که قبل از موسی و عیسی و مصطفی، رود نیل را پرستش می‌کردیم؟/ آیا با عشق این نیل دیگران را سیراب نمی‌کردیم و مهمانی و دوستی به راه نمی‌انداختیم؟/ هنوز در میان شما اهل مودت و رحمت وجود دارد و خیر از میان مسلمانان رخت بر نمی‌بندد/ ترور بطرس شما را از وفا به پیمان باز ندارد که کشته شدن افراد سنت دیرین روزگار ماست.

۶- شناساندن چهرهٔ ظالم و بیان بیدادگری های او

یکی از شاخص های مهم شعر مقاومت عرب، بیان جنایت ها و بیدادگری های ظالم است. در نظام های مستبد و بیدادگر، شکنجه و تازیانه زدن و زندان، خفه کردن فریادها در گلو، تبعید و ترور، قانون است. از این رو چنین عملکردهایی از سوی استبداد، همواره روح حساس شاعران عرب را می آزرده و آن ها را به واکنش در مقابل چنین عمل های غیرانسانی وا می داشت. در میان شعرای عرب، سروده های بسیاری را می توان یافت که در آن ها، چهرهٔ ظالم و ظلم او به تصویر کشیده شده است. برای نمونه «جواد جمیل» شاعر عراقی در شعری با عنوان «ترور» می گوید:

صدای تق تق قدم هایشان بلند بود

صدایشان طعم مرگ می داد

و چشم هایشان چون چشمان وحوشی بود

که شب جنگ آن را پوشانده باشد

- «کیستند؟»

- «اسم لازم نیست!»

- «آمده ایم تا چیزهایی را بشناسی»

و آرامش شب

با صدای تیری لرزید

و ریسمان باریکی از خون

خاموشانه پیچید

...بر جسد زرد

یک تکه ورق پیدا کردیم

نص قانون برایشان اجرا شد (جمیل، ۱۳۷۰: ۷۸)

گرایش های مختلف شعر پایداری عرب

اشاره

در این بخش گرایش های مختلف شعر مقاومت و پایداری عرب را بررسی می کنیم؛ چراکه در جهان عرب شعر مقاومت از سرچشمه های بسیاری تغذیه شده و به همین دلیل جریان های متفاوتی را به خود دیده است. مهم ترین این جریان ها و گرایش ها، ملی و قومی، دینی و مذهبی، تاریخی و اساطیری و جهانی و انسانی است. حال به اختصار به بررسی هر یک از این گرایش ها می پردازیم:

۱- گرایش ملی و قومی

شاعران عرب برای رساندن پیام پایداری از ابزارهای گوناگونی بهره می برند و گرایش به قومیت و ملیت که طالبان فراوان دارد یکی از این ابزارهاست. البته ملل عرب به رغم ادعای غلیظ قومیت در طول روزگاران متمادی، یکی از متفرق ترین اقوام نیز به شمار می آیند. «شاعران عرب بزرگ ترین ضرر و زیان قوم عرب را در پراکندگی آنان می دیدند و در سروده های خود مردم را به تجمع در زیر لوای قومیت و ناسیونالیسم (ملی گرایی) دعوت می کردند. برای مثال رشید سلیم الخوری شاعر لبنانی می گوید:

ارَى فِي الْاَفَقِ نُوْرًا مِّنْ بَعِيْدٍ

يَلُوْحُ فَهَلْ تَرَى يَجْلُو الظَّلَامًا

وَ اَسْمَعُ فِي بَرُوْعِ الشَّامِ صَوْتًا

وَ حَرَكٍ فِي قَبُوْرِهِمُ الرَّمَامًا

ایا وطنی اروم لک المعالی و عیشاً مستقلاً و انتظاماً.

(در دوردست افق روشن می بینیم.

آیا این نور، تاریکی را می زداید؟

در سرزمین شام صدایی می شنوم

که سرزمین خفته را برانگیخته است

پژواکی سترگ مردم عراق را بیدار کرده

و استخوان مردگانشان را در گور لرزانده است

ای وطن من! استقلال، آرامش افراشتگی ات را آرزومندم) (بیدج ۱۳۸۹: ۷۸).

۲- دینی و مذهبی

در شعر امروز عرب به دین و مذهب گرایش نشان می دهند. البته علاوه بر قرآن کریم، به شخصیت های دینی - مذهبی، تاریخی و موروث های دیگر مانند حکایات و روزهای مشهور عرب نیز توجه می شود. «شاعران امروز عرب شخصیت های گوناگون دینی و مذهبی را به شعر خود دعوت می کند و از آن ها می خواهد برای پیشبرد سخن شاعر که زبان گویای مردم خویش است کمک کند. حال ممکن است این شخصیت در حافظه دینی شاعر هم قرار نگرفته باشد» (همان: ۹۰).

۳- تاریخی و اساطیری

شاعران عرب در گرایش به تاریخ از پهلوان ها و حماسه سازی های شخصیت های تاریخی و به کارگیری آن در وقایع امروز بسیار بهره می برند. برای مثال عنتره بن شداد، شاعر جاهلی، مرد دلیری است که آوازه قهرمانی های او به افسانه نزدیک می شود. این شخصیت در ادبیات عرب تمثیلی از شهامت و حق خواهی و استرداد حیثیت است. «بهره گیری از اسطوره در شعر عرب در آغاز از شعر مدرن عرب به ویژه الیوت و همفکرانش الهام گرفته شد. شاعر امروز از آنجا که دیدگاهی دیگرگونه دارد و از دیدگاه شاعران دیروز فراتر رفته است ناچار از به کارگیری ابزار بیانی گسترده تر و درخور دیدگاه خویش است که اسطوره یکی از آن ها است» (همان: ۹۹). «نخستین شاعر عربی که به بهره گیری از اسطوره در شعر خود دست یازید، بدر شاکر السیاب شاعر عراقی بود» (همان: ۱۰۰).

۴- جهانی و انسانی

شاعر امروز عرب در شعر خود به چگونه رسیدن و به زیبایی رسیدن و بهره گیری از حداکثر ظرفیت زبان و بیان برای رسیدن می اندیشد. یکی از راه های رسیدن، توجه کردن به چیزی فراتر از جغرافیای قومی و توجه به قلمرو فرهنگی جهانی است. امروزه رسانه ها از دورترین انسان های روی زمین در فرصتی کوتاه خبر می آورند. شاعر از آنجا که خود را چشم و زبان مردم می داند، از شادی ها و دردهایشان می گوید. اگر بر قومی ستمی می رود، شاعر با اندیشه فراگیر، این ستم را در آثار خود بازتاب می دهد. شاعر

عراقی، لبنانی، سوری، مصری یا هر کشور عرب زبان دیگری که مردم فلسطین را آواره و ستم‌دیده می‌بیند، برای این ملت در به در، شعر می‌سراید، به حمایت از او برمی‌خیزد، او را به مقاومت و استقامت و ستم‌های رفته بروی او را به گوش جهانیان می‌رساند. «بر این اساس اغلب شاعران عرب برای فلسطین شعر سروده‌اند؛ چرا که مسئله فلسطین برای آنان مسئله ملی و قومی به شمار می‌رود... محمد الماغوط شاعر سوری می‌گوید:

ای عرب!

ای کوه‌های لذت و خمیر!

ای باغ‌های گلوله‌های کور!

از فلسطین شعر می‌خواهید

شعر از پیروزی و خون؟

دیروز

آن قهرمان نازک لب

به همراه باد

و توپ‌های غمگین

باز آمد

مهمیز بلند او

چون دو خنجر می‌درخشید

به او پیرمردی یا پتیاره‌ای بدهید

به او این ستاره‌ها

و شن‌های یهودی را بدهید...» (همان: ۱۰۳ - ۱۰۴)

ص: ۲۵

فصل دوم

ادبیات پایداری ایران

اشاره

شایسته است که قبل از پرداختن به ادبیات پایداری در ایران گذری اجمالی بر شاعر، شعر و به طور کلی ادبیات پایداری جهان داشته باشیم. همان طور که مبرهن است سروده های پایداری مرز و سرزمین نمی شناسد. بنابراین شاعران و نویسندگان در تمام جهان با شعر و نثر خود با ادبیات پایداری سعی در بیداری و پایداری در برابر ظلم داشتند. «لویی آراگون، شاعر ادب پایداری فرانسه، التیام زخم خورده کشورش را در طرح مفاهیم مجرد، عاطفی و انتزاعی چون جوهره انسانیت تاریخ و تمدن می دید. لورکا، شاعر اسپانیایی به جست و جوی آزادی و عدالت اجتماعی بود؛ زیرا سلطه فاشیسم روح دموکراسی را افسرده کرده بود. سیمونوف و میخائیل لوکونین، رهایی انسان روسی و سرزمین روسیه را فریاد کردند. پابلو نرودا شاعر شیلیایی فراتر از زمین، عشق به طبیعت را مرام خود ساخت، ناظم حکمت در ترکیه حس میهن پرستی را در هم میهنان خویش بیدار کرد. جیانگ نام، شاعر ادب پایداری ویتنام از عشق و مبارزه در ویتنام سخن گفت و در واپسین

سال های قرن بیستم میلادی، شاعران ادب پایداری ایران به تقدیس شهادت، رسالت رهایی زمین از سلطه استکبار و تداوم انقلاب تاریخی عاشورا دل بستند» (کاکایی، ۱۳۸۰: ۱۳). بیان مظلومیت ملل تحت ظلم در سروده های اکثر شاعران ایران به چشم می خورد. آنان حلقه های پیوسته تزویر جهانی، بیداد و استکبار را می بینند و با دیگر ملت های مظلوم همدردی و همراهی می کنند؛ اگر مجموعه سروده هایی که در کشورمان برای فلسطین، بوسنی و هرزگوین و... سروده شده است، تنها در طی یک دهه (۶۵ تا ۷۵) جمع آوری کنیم بدون شک از چندین مجلد خواهد گذشت، در میان این خیل عظیم شاعران با موضوعاتی چون انزجار از دشمنان متجاوز و اشغالگر، ابراز همدردی با مظلومین سرزمین های تحت اشغال، بیان بیدادهای استکبار جهانی دعوت به پایداری و ستایش مقاومت مجاهدان، ایجاد بارقه امید در این ملل و رساندن فریاد مظلومیت ملل تحت ظلم به مردم جهان به سرایش شعر پرداخته اند. در آثار شاعران «سروده ها و اشعاری هست که با تکیه بر اندیشه و آرمان دینی، تصویری از بیدادها و جنایات جهانی را ترسیم می کند. این نوع سرودن سابقه ای چندان طولانی ندارد. نخستین نمونه های آن به پنجاه سال اخیر برمی گردد. حساسیت شاعران و نویسندگان نسبت به مسائل جهانی مانند فلسطین، ویتنام، آفریقای جنوبی، کوبا، شیلی و اخیراً بوسنی و افغانستان و... شاعران و نویسندگان را برمی انگیزد تا برای مظلومیت و رنج مردم این سرزمین ها یا فداکاری مبارزان و آزادی خواهان آن ها

شعر، مقاله و احیاناً نمایشنامه و فیلمنامه بنویسند. عمده آثار پیش از انقلاب اسلامی در ایران در این زمینه از آن باورمندان تفکر چپ (مارکسیسم) یا روشنفکران متمایل به غرب بود. گاه در برخی مجلات مذهبی آن زمان سروده‌هایی با جهت‌گیری مذهبی، به ویژه درباره فلسطین و الجزایر به چاپ می‌رسید اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی در این زمینه شاهد سروده‌هایی و نوشته‌هایی ارجمند بوده‌ایم. در این اواخر، در طیفی گسترده در باب بوسنی و هرزگوین، شاعران و نویسندگان به خلق آثاری زیبا دست زدند که به دلیل پیوند این آثار با تفکر و باور مذهبی، آن‌ها را می‌توان در مجموعه ادبیات دفاع مقدس جای داد» (سنگری، ۱۳۸۰: ۱۷-۱۶).

همانطور که قبلاً نیز گفته شد، سروده‌های پایداری در سراسر جهان وجود دارد و تنها به کشور ما محدود نمی‌شود. در ایران نهضت‌هایی چون نهضت شعوبیه، پس از ورود اسلام، اعتراضات مردم ایران به هجوم‌های خارجی چون حملات مغول‌ها، پرتغالی‌ها، روس‌ها، و ظهور جنگ‌نامه‌های منظوم، در عصر صفوی و بعد از آن دوران مشروطیت، وقوع انقلاب اسلامی، سپس هشت سال دفاع مقدس، اتفاق می‌افتد. با توجه به پیشینه ادبیات پایداری در ایران این گونه از ادبیات درون‌مایه جاودانه و همیشگی ادبیات فارسی است به طوری که هیچ‌یک از دوره‌ها را نمی‌توان از مقاومت و پایداری تهی دانست.

باین حال «عموماً آنچه از کتب و نگاه‌های پیشین محفوظ مانده و یا محل توجه بوده و اکنون به دست ما رسیده است غالباً در دایره

نظارت و حفاظت دربار و حاکمیت ها و خاندان های با نفوذ و وابسته به قدرت های مطلقه و حاکم بوده است و یا اینکه در بین خواص اهل دانش و از طریق ضبط و نگهداری و استنساخ در بین علما محفوظ مانده است؛ یعنی کانون های حکومتی و دربار، ملجأ اهل دانش و کتب خانه اهل علم بوده اند. این را هم باید متذکر شد که بعضی گمان می کنند که اگر فلان دانشمند، نویسنده یا مورخ و یا محدث مرتبط با دربار و دستگاه بوده، نان خور و جیره خوار فرهنگی حاکمیت بوده است و به این نکته توجه ندارند که در زمان های گذشته، ما شرکت ها و مؤسسات بزرگ انتشاراتی در اختیار نداشته ایم که یک کتاب را در چند هزار نسخه چاپ کنند که از بین نرود و یا فایده عام پیدا کند. به همین دلیل بسیاری از علمای بزرگوار در گذشته به ناچار برای حفظ و انتشار آثار فکری و فرهنگی و تاریخی با دستگاه حکومت ارتباط پیدا می کردند و همین امر سبب می شود که ادب پایداری در آن روزگار به نحو بارز و نمایانی وجود نداشته باشد و به ناچار در زیر لایه های پراکنده و به گونه ای کم رنگ، در ادبیات و تاریخ کلاسیک ما نمایان باشد. اگر برخی از آثار کهن ادب فارسی را ملاحظه کنیم می بینیم که جنبه های موعظه و ارشاد در آن ها فراوان است؛ این ارشاد و تعلیم به خصوص در باب آداب ملوک و اخلاق پادشاهان می تواند تا حدی به نحو غیرمستقیم اوضاع روزگار را نشان دهد. در دیوان های شاعران گذشته به هجویه های بسیاری برمی خوریم. هجویه سرایی گاهی جنبه اجتماعی و سیاسی داشته است؛ زیرا گویندگان در آن زمان که قدرت اقدام علیه حکومت را نداشته اند، از حربه هجو استفاده کرده اند» (مکارمی نیا، ۱۳۸۳: ۹۵ - ۹۶).

با این حال حبسیه‌ها با تنوعی بسیار زیاد، همچنین ضرب المثل‌ها و قصه‌هایی که در پیشینه ادبیات ایران، به صورت شفاهی یا کتبی رواج داشته است به عنوان شاخه‌ای از ادبیات پایداری قابل بررسی است.

حوزه‌های ادب پایداری ایران

اشاره

حوزه‌های محتوایی و موضوعی ادبیات پایداری علاوه بر طرح آرمان‌ها و تفکرات، ضمن توصیف دلاوری‌های مجاهدان و یادکردی از پیروزی‌های آنان، مخاطبین را به ایستادگی و داشتن غیرت و حمیت، ترغیب می‌نماید و با زنده نگه داشتن یاد و نام رهبان راه حق علاوه بر سوگ‌سرایی، بر حفظ ارزش‌ها نیز تأکید دارد. شاعران معاصر گاهی نیز دردمندان را بر افول ارزش‌ها مرثیه‌سرایی می‌نمایند و با یادآوری رشادت‌های دلاورمردان دیروز، مخاطبین خود را به ایستادگی در برابر تهاجمات گوناگون دشمنان امروز فرامی‌خوانند.

۱- حوزه آرمان‌ها و تفکرات

زمینه‌های طرح تفکر در ادب مقاومت، خدا، انسان، وطن دوستی، نمادگرایی تاریخی، اهداف عالی انسانی و آرمان‌های صلح‌جویانه و آزادی‌خواهانه است. بدیهی است تهاجم و اشغال سرزمین به منزله سلب حق حیات توأم با آزادی و اراده سرزمین اشغال شده است. کسب آزادی و تلاش برای نیل بیشتر به آن از مفاهیم اصلی شعر مقاومت در توجیه حقانیت دفاع است.

۲- حوزه بیان شجاعت و ستایش فتح‌ها

سهم عمده موضوعی در متون مربوط به ادب مقاومت، تحریض به ایستادگی در برابر دشمن، بیان شجاعت ستایش مجاهدان، توصیف صحنه‌های دلاورانه جنگ و ستایش فتوحات... از جمله نخستین مضامین در حوزه‌های مقاومت و دفاع است که به منظور برجسته نمودن رشادت‌های حماسی و تحریض مردم به حضور در دفاع مقدس و ملی صورت می‌گیرد.

۳- حوزه سوگسرای و یادکرد فجایع جنگ

از جمله موضوعات ادبیات پایداری، بیان ویژگی‌های قهرمانان عرصه جنگ و توصیف قساوت دشمن در تخریب و ویرانی و کشتار و همچنین سوگنامه شهیدان است. هدف اصلی از بیان آن‌ها تحریض مخاطب به مقاومت و پایداری در برابر دشمن است. از شاخصه‌های مهم موضوعی در شعرهای ضد جنگ، بیان عواقب حزن آلود جنگ است. اما به هر حال شاعر در تمام موارد مطرح شده از لحنی حماسی سود می‌برد تا کنش‌های لازم را در احساس مخاطب پدید آورد.

ادبیات پایداری در دوران معاصر

با توجه به اینکه ریشه ادبیات پایداری در ایران به پیش از اسلام برمی‌گردد اما در زمان معاصر آثار نوشته شده در این زمینه قابل مقایسه با آن دوران نیست. امروزه بیش از هر زمان دیگر، اصطلاح ادبیات پایداری در فضای فرهنگی کشورمان به

کار گرفته شده است. ادبیات پایداری ایران در سه مرحله شکل می گیرد:

۱. ادبیات پایداری قبل از انقلاب اسلامی (مشروطیت)

۲. ادبیات پایداری در دوران انقلاب اسلامی؛

۳. ادبیات پایداری در هشت سال دفاع مقدس که یکی از افتخارات و دستاوردهای آن، تولد ادبیات و هنر مقاومت و پایداری است» (حامدی کیا، ۱۳۸۹: ۲۲۸) که قیام عاشورا تأثیر انکارناپذیری در آن دارد.

در ایران اسلامی، در هیچ دوره ای حتی دوران مشروطیت به اندازه زمان کنونی به ادبیات پایداری پرداخته نشده است. انقلاب شکوهمند اسلامی و جنگ تحمیلی هشت ساله به اشکال مختلف ادبیات پایداری را رونق بخشیدند.

در طول تاریخ وقوع حوادث تاریخی و اجتماعی موجب پدید آمدن آثاری با درون مایه های پایداری گردیده است. در دوره معاصر، ادبیات پایداری به جهت وقوع حوادث متعدد، مضامین متنوع و متعددی را پرورانده است. از آنجاکه عقاید دینی و مذهبی بر ساختار جامعه ما حاکم است، بیشتر این مضامین برگرفته از آیات و روایات معصومین و فتوای فقهای مذهب تشیع است. در چنین شرایطی به خصوص هنگام بروز حوادث اجتماعی و تهاجم بیگانه، از سوی علما و فقهای دعوت به جهاد، مبارزه، وحدت و همدلی شکل می گیرد. در دوره مشروطه، رهبری مبارزات و قیام ها از سوی علمایی همچون سید جمال الدین اسدآبادی، میرزا صالح شیرازی، آیت الله بهبهانی،

آیت الله طباطبایی، آیت الله سید حسن مدرس، شیخ محمد خیابانی و دیگران، رهبری امام خمینی (ره) در جریان قیام پانزدهم خرداد ۴۲، وقوع انقلاب اسلامی سال ۵۷ و جریان هشت سال دفاع مقدس گواه این ادعاست.

دردوره مشروطه، شاعرانی همچون عارف قزوینی، سید اشرف الدین گیلانی، ملک الشعرای بهار، فرخی یزدی، مسائلی چون قانون، آزادی، وطن و عدالت را مطرح کردند.

در دوره قاجاریه، مقارن با کشته شدن ناصرالدین شاه به دست میرزا رضای کرمانی، شعر و شاعری درباری رونق خود را از دست می دهد به طوری که در دوره پادشاهی مظفرالدین شاه، گوینده بزرگی برنمی خیزد. در این دوره که با حرکت های اصلاحی و تجدد خواهی کسانی چون عباس میرزا و امیرکبیر، مردم به پاره ای از آزادی ها دست یافته و حقوق سیاسی و اجتماعی خود را درک کرده بودند. با حضوری روزافزون در صحنه سیاست و اجتماع و در نهایت تاثیر متقابل آن در عرصه ی ادبیات، باعث بوجود آمدن مضامین و اندیشه هایی مانند آزادی، قانون، وطن، مبارزه با استبداد، ستایش از میهن و مسائلی دیگر از این قبیل گردید و با تشکیل انجمن ها و مجلات ادبی از شعر به عنوان زبان برنده ای برای مبارزه با استبداد بهره برداری شد. افزون بر آن وقوع جنگ جهانی اول و انقلاب اکتبر روسیه (۱۹۱۷) نیز در شعر و ادب تأثیری عمیق گذاشت و موجب پدید آمدن ادبیات کارگری در میان شاعران این دوره گردید. اما با روی کار آمدن حکومت پهلوی، این جریان به شدت سرکوب

شد که قتل فرخ یزدی و مهاجرت ابوالقاسم لاهوتی از پیشگامان شورش های کارگری علیه استبداد به اتحاد جماهیر شوروی از پیامدهای آن به شمار می رود (عظیم زاده، ۱۳۸۷: ۱۶۵).

«اگرچه شاعران قبل از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ از آزادی بیان نسبی برخوردار بودند، غالباً تحت تأثیر احزاب مختلف و روزنامه های طرفدار آن ها به ویژه حزب توده قرار داشتند. پس از کودتا، قدرت شاعران محدودتر شد و شاعر مقاومت که هم جان خود را در خطر می دید و هم به تقلید از نیما ابهام را برای بیان مطالب برگزیده بود، شعر را از صراحت بیان خارج کردند؛ ولی بیشتر شعرا به علت ترس از ساواک، علاقه به وضع موجود و یا بی اعتنایی به رسالت شعر، به مسائل اجتماعی توجهی نشان نمی دادند و اقسام فجایی که در زمان شاه وجود داشت و نیز برخی حوادث تاریخی، مانند قیام پانزده خرداد در شعر مورد توجه قرار نگرفته است. دلایل اوج و حضيض شعر مقاومت به اختناق حاکم بر جامعه، مبارزات مردمی و مسلحانه و همچنین با امید و ناامیدی شاعر ارتباطی مستقیم دارد؛ چنان که پس از کودتای ۲۸ مرداد، شعر مقاومت دچار رکود شد؛ اما بعد از ۱۳۴۰ به دلیل مبارزات امام خمینی (ره) و مبارزات مسلحانه مردم به اوج خود رسید» (محمدی شکيبا: ۱۳۷۸، ۴۲۸)

بعد از سال ۱۳۴۰ سرکوب مبارزان، وقایع تلخ اجتماعی و وضعیت نابه سامان اقتصادی، شرایط نومیدانه ای را برای شاعران و نویسندگان بوجود آورده بود تا از جمله عواملی باشد که بسیاری از شاعران به چریک پیوستند و برای چریکی های

جنگل شعرهایی با سمت و سویی سیاسی سرودند. این جریان شعری تا سال ۱۳۵۲ ادامه داشت. «بعد از اعدام گلسرخی، سانسور شدیدی از سوی رژیم اعمال شد و بسیاری از شاعران و نویسندگان ممنوع القلم شدند. در سال ۱۳۵۵ کارتر، رئیس جمهور آمریکا، شاه را موظف کرد که اصول حقوق بشر را در ایران به اجرا در آورد. نخستین نشانه های فضای باز سیاسی در تابستان ۱۳۵۶ ظاهر شد. برخی از نمایندگان مجلس و دولت مردان در رادیو و روزنامه ها به انتقاد پرداختند. در ۱۷ دی ۱۳۵۶ با چاپ مقاله ای توهین آمیز به امام خمینی (ره) در روزنامه اطلاعات، نخستین جرقه شورش در قم در گرفت و پس از آن، آتش انقلاب به سراسر ایران سرایت کرد» (لنگرودی، ۱۳۷۷: ۱۶). در سال ۱۳۵۷ درست هم زمان با سقوط ۲۵۰۰ سائۀ حکومت شاهنشاهی و در ادامه شروع جنگ تحمیلی، ادبیات پایداری با مضامینی چون مبارزه با ظلم و استبداد، زور و تزویر و استعمار توسط بیگانگان، ستایش آزادی و آزادگی، دعوت به همدلی و پرهیز از تفرقه، وصف و ستایش شهید و شهادت و بویژه کاربرد عناصر ارزشی و فرهنگی عاشورا دیده می شود. در واقع می توان گفت: «جنگ تحمیلی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران از بزرگ ترین رویداد و پدیده های تاریخ کشور در طول دو دهه گذشته بود که مضامین گوناگونی را در اختیار شاعران قرار داده است» (کاکایی، ۱۳۸۰: ۵۱-۵۲).

هنوز چند صباحی از پیروزی انقلاب نگذشته بود که این نهال نوپا مورد هجوم آفت های گوناگون قرار گرفت «در زمینه

ادبیات به معنای کلی کلمه صف متولیان ادب و هنر ایران اسلامی با ایران دموکراتیک و حتی غیر اسلامی از یکدیگر جدا شد؛ به زبان دیگر صف شعرا و نویسندگان اهل ولایت با غیر ولایی و حتی غیر الهی از یکدیگر جدا شد» (اکبری، ۱۳۷۷: ۱۰) گروهی از شاعران در دهه های بیش از انقلاب تمایلات مذهبی داشته اند که با پیروزی انقلاب، در آثار بعدی خود، دستاوردهای جدیدی بویژه در راستای فرهنگ اسلامی با تجربه های پیشین خود درآمیختند و توانستند به عنوان شاعرانی پیشکسوت، نسل جوان و گروه مستعد و معتقدی را در کنار خود پرورش دهند. از شاعران این گروه می توان محمدجواد محبت، حمید سبزواری، علی معلم و... را نام برد.

مروری بر وضعیت سیاسی، اجتماعی ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی

ادبیات به خصوص ادبیات پایداری در هر عصر، بازتاب اوضاع و حوادث موجود در آن عصر است. مقطع مهم تاریخ سیاسی ایران در عصر مشروطه به سال های بین ۱۲۸۴ ش. مصادف با صدور فرمان مشروطه توسط مظفردالدین شاه تا سال ۱۳۰۴ ش. یعنی برقراری سلسله پهلوی توسط رضاخان پهلوی مربوط می شود. در این سالها، کشور ایران با جریانات سیاسی و اجتماعی درگیر تنش های مهمی در سیر تاریخی خود گردید.

«پس از ترور ناصرالدین شاه که نتیجه حق طلبی های مردم بود، جسارت آنها در راه کسب استقلال و یک حکومت مردمی

بیش تر شد تا اینکه پس از به تخت نشستن مظفرالدین شاه با جرعه‌ای که توسط علاءالدوله ایجاد شد و عده ای از تجار و افراد متشخص تهران مورد بی حرمتی قرار گرفتند به یکباره مردم به رهبری علما سر به شورش نهادند و پس از کشمکش‌های بسیار و بست نشینی‌ها، شاه قاجار به درخواست آنان مبنی بر عزل عین‌الدوله و علاءالدوله و تشکیل شورای ملی و... تن داد و در سال ۱۲۸۴ ش. فرمان مشروطیت صادر و مجلس شورای ملی با ترکیبی از نمایندگان مردم تشکیل شد. (آشتیانی، ۱۳۸۰: ۹۸)

این تاریخ، مبدأ مهمی در اداره مملکت توسط نیروهای مردمی و محدود کردن قدرت و تسلط شاه و وزرا در کشور بود. اما این پیروزی‌ها، خواب و خیالی بیش نبود، پس از درگذشت مظفرالدین شاه (مدتی کمی بعد از صدور فرمان مشروطه) محمدعلی شاه که اساساً با مجلس و مشروطیت مخالف بود، بر تخت نشست و بعد از مدتی بنای مخالفت با مجلس را گذاشت تا سرانجام در سال ۱۲۷۸ ش. با بمباران مجلس و قتل و تبعید آزادی‌خواهان به اولین دوره مجلس خاتمه داد.

پس از این جریان، مردم که مجلس و مشروطه و در واقع حق و حقوق خود را از دست رفته می‌دیدند در نقاط مختلف سر به شورش برداشتند که در این میان آذربایجان بیش تر از همه مؤثر افتاد و پس از کشتارهای بسیار، انقلابیون در سال ۱۲۸۵ ش. تهران را فتح کردند و محمدعلی میرزا از سلطنت خلع و جای او را به پسر دوازده ساله اش احمدشاه دادند. (مدنی، ۱۳۵۷: ۲۴۸ و ۲۴۵ و ۲۳۵ و آشتیانی، ۱۳۸۰: ۹۸۹ و ۹۹۰).

از آنجا که نهضت مشروطیت برپایه اسلام و به حکم قرآن و ارزش‌های اسلامی به وجود آمد، با نفوذ شخصیت‌های غیرمعتقد، سودجو و ناسالم به ویژه در مجلس دوم نقش اسلام کم‌رنگ و انحراف مشروطیت پس از تشکیل این مجلس نمایان گردید و سرانجام با مخالفت و اقدام نظامی روسیه به دلیل ورود مورگان شوستر امریکایی به ایران کابینه وقت ناصرالملک مجبور به پذیرفتن خواسته روسیه گردید و مجلس مخالف تعطیل شد. نکته حائز اهمیت در اوضاع سیاسی ایران عصر مشروطه این است که در این دوران، بیگانگان و استعمارگران، حضوری دائمی در ایران داشته‌اند و این خود، موجب تنش‌ها، انحرافات سیاسی و زد و بندهای پنهانی بود. این کشورها چنان حضور خود را به حق می‌دانستند که به سادگی به خاک ایران وارد می‌شدند و قراردادهایی بر اساس منافع خود می‌بستند. در واقع اختیار مملکت از کف دولت خارج بود و به علت واگذاری امتیازهای تعهدآور، یارای مخالفت با سیاست‌های آنان را نداشتند.

از دیگر وقایع مهم سیاسی جنگ جهانی اول در سال ۱۲۹۳ ش. بود که به موجب آن، نقش روسیه در سیاست‌های داخلی ایران کم‌رنگ گردید. «در جنگ جهانی اول اگرچه ایران از ابتدا بی طرفی خود را اعلام کرد، اما همواره مورد تاخت و تاز نیروهای درگیر جنگ بود. همین‌طور که کمتر نقطه‌ای از کشور، از حضور فیزیکی و نظامی دولت‌های درگیر در امان بود و در این بین، صدمات شدیدی به جامعه ایران وارد آمد و به خرابی و فقر و هرج و مرج دامن زده شد» (آرین پور، ۱۳۷۳: ۲۲).

در این گیرودار، مردم که هنوز در پی کسب آزادی و استقلال وطن بودند از پای نمی‌نشستند به طوری که در نقاط مختلف کشور جریان‌های سیاسی مهمی به وقوع پیوست. این جریان‌ها و اتفاقات سیاسی و اجتماعی محیط ایران را متشنج‌تر می‌ساخت و راه را برای عوامل سودجو هموارتر می‌کرد، قرار گرفتن جامعه ایران در جریان‌های سیاسی و تاثیر آن بر اوضاع اجتماعی، در رأس کار بودن اشخاص نالایق، قراردادهای بسیار نظامی و اقتصادی که جامعه را بنده بیگانگان کرده بود منابع طبیعی زیرزمینی که به تاراج رفته بود و استبداد و خفقانی که در اوضاع سیاسی ایران حکمفرما بود اوضاع دوره رضاخان در سال ۱۳۰۲ بوده است اما وی در ادامه با طرح مسائلی چون جمهوری خواهی، توانست طرفداران زیادی پیدا کند به طوری که در سال ۱۳۰۴ با اعلام مجلس مؤسسان به عنوان شاه ایران شناخته شد. بنابراین سرانجام همه این غائله‌ها با ظهور این فرد مستبد در صحنه سیاسی ایران فروکش کرد و مردم که از شدت نابه‌سامانی به ستوه آمده بودند با تبلیغات گسترده‌ای که صورت پذیرفت او را منجی خود دانستند و در نهایت رضاخان دفتر جدیدی را در تاریخ سیاسی ایران گشود.

مروری بر وضعیت فرهنگی ایران

تاریخ شعر مقاومت در ایران از زمان مشروطه آغاز شد؛ تا قبل از سال ۱۳۲۰ شاعرانی چون سید اشرف‌الدین گیلانی، محمدتقی بهار، ابوالقاسم لاهوتی، عارف قزوینی، میرزاده عشقی و فرخی یزدی، به

سرودن آن همت گماشتند. در شعر دوره مشروطیت «موضوع پایداری در برابر ظلم و بیداد، ناآگاهی و استبداد، آلودگی صاحب منصبان و طمع همسایگان، بسیار دیده می شود، چنان که محمد تقی بهار خطاب به محمدعلی شاه می سراید:

وای به شاهی که رعیت کش است

حال خوش ملت از او ناخوش است»

(آرین پور، ۱۳۵۵، ج ۱: ۱۲۷).

«او شعری را به مشیرالسلطنه، وزیر دربار، می دهد و برای محمدعلی شاه می فرستد که با این بیت آغاز می شود:

پاسبان! تا به چند این مستی و خواب گران

پاسبان را نیست خواب، از خواب سر بردار هان»

(همان: ۱۲۸)

در این زمان بود که عارف، شروع به سرودن اشعار ملی و سیاسی خود کرد و اولین غزل خود را با عنوان «زنده باد و نابود باد» سرود:

آورد بوی زلف توام باد زنده باد

هرگز نمیرد آن پدری کو تو پروراند

نابود باد ظلم چو ضحاک مار دوش

ز آشفته‌گی نمود مرا شاد زنده باد

و آن مادری که چون تو پسر زاد زنده باد

تا بود و هست کاوه حداد زنده باد

(عارف، ۱۳۶۴: ۱۷)

در این زمان، عارف که مشروطه را در خطر می‌دید، غزلی سرود و در آن، محمدعلی شاه را فردی مستبد معرفی کرد و این حادثه (به توپ بستن مجلس)... را عامل افشای چهره واقعی شاه دانست:

ز زلف بر رخ همچون قمر نقاب انداخت

هلاک، ناوک مژگان آن که سینه ما

رها نکرد دل از زلف خود به استبداد

فغان که هاله به رخسار آفتاب انداخت

نشانه کرد و بر او تیر بی حساب انداخت

گرفت و گفت تو مشروطه‌ای، طناب انداخت

(عارف، ۱۳۶۴: ۱۸)

«پس ادب پایداری در کشور ما هم زمان با انقلاب مشروطیت و جنگ جهانی اول متأثر از گرایش‌های ملی و میهنی بود. در شعر مشروطه، وطن جغرافیای معین می‌یابد. ابوالقاسم لاهوتی و بهار در ترویج حس وطن دوستی و میهن پرستی اهتمامی خاص داشتند. پس از جنگ جهانی دوم، سلطه تفکر اومانیستی ادب پایداری ما را مشحون مفاهیم غیر دینی کرد. هم زمان با تجدید حیات اسلام در کشورهای بحران‌زاده آسیایی و آشنایی اندیشمندان شرق با درکی نو از مفاهیم دینی و در پرتو قیام‌های دینی، مقاومت در برابر ظلم در کشورهای خاورمیانه ظهور می‌کند که انقلاب اسلامی و انتفاضه فلسطین دو نمونه برجسته آن به شمار می‌آید» (کاکایی، ۱۳۸۰: ۱۲).

در ایران قبل از مشروطه، ادبیات و شعر این عصر نیز دوران معروف به دوره بازگشت را پشت سر می گذاشت. با تحولاتی که در اوضاع سیاسی - تاریخی و اجتماعی ایران به وقوع پیوست، شعر نیز قدم در راه تغییرات و تحولاتی محتوایی و ساختاری گذاشت. به طوری که دیگر مدح و ثنای شاهان و وصف معشوق زینده نبود. بلکه این مصالح ملی بود که می بایست دغدغه هر شاعر و نویسنده متعهد می بود. «شاعران وظیفه راهنمایی مردم در مقاطع مختلف سیاسی و اجتماعی را بر عهده داشتند، ادبیاتی که پرخاشگر و ستیزه جو بود، توده های وسیعی از مردم را به قصد آموزش و آگاهی نسبت به عقب افتادگی و به تاراج رفتن ثروت های مادی و معنوی، مخاطب قرار داد» (آژند، ۱۳۶۳: ۲۹).

همان طور که گفتیم در این دوره شعر سنتی با مفاهیم جدیدی مواجه می شود. مفاهیمی مثل وطن پرستی، آزادی خواهی، حمایت از ایران، مبارزه با استبداد و... که شاعر در این بین به بیان این گونه مسائل می پردازد. به این ترتیب شاعر از سویی در چارچوب سنت ها و قوانین اثر کلاسیک گرفتار است، از سویی دیگر مخاطب جدیدی را در نظر گرفته که زبانی بسیار ساده تر از زبان شعر کلاسیک را می پسندد. این دو علت سبب می شود که شعر به سادگی روی آورد و زبانی درخور فهم عوام برگزیند؛ یعنی شعر کوچه و بازار. «این گرایش به مرور، سبک نوینی در شعر به وجود می آورد که ترکیبی از زیبایی شناسی عوام و استتیک (زیباشناسی) شعر سنتی بود» (لنگرودی، ۱۳۷۰: ۳۶).

توجه به قابل فهم بودن شعر برای عوام، سبب افت کیفیت شعر از نظر هنری و ادبی شد. گذشته از زبان شعر که به مناسبت محتوای جدید، تغییراتی در آن حاصل شد، در توصیفات شاعرانه نیز دگرگونی به وجود آمد؛ یعنی شاعر این دوره، غالباً به وصف واقعیات می پرداخت و سعی داشت، جلوه‌هایی از زندگی و رویدادهای آن را جلو چشم خواننده مجسم سازد و بدین ترتیب به نوعی واقع‌گرایی شاعرانه یا توصیف رئالیستی در شعر فارسی دست یابد.

به این ترتیب می بینیم که هدف اشعار دوره مشروطه یا سبک مشروطه، به طور کلی بیداری مردم و برانگیختن احساسات ملی و میهنی و ترویج آزادی بیان فردی و اجتماعی و طرد خرافات و اندیشه‌های سست و ناروا و پیکار با بیگانگی بود. «شکل‌گیری تدریجی طبقه متوسط و اندیشه تجدد در دوره قاجار خواست مشروطیت و حکومت قانون را به همراه دارد. در چنین وضعیتی، ارزش‌های تثبیت شده کهن، اهمیت خود را از دست می دهند و ملت و آزادی‌های بورژوازی اعتبار می یابند. هم زمان با تحولات بنیادی اجتماعی و به خودآیی و خویش‌نگری ملی، ادبیات نوینی شکل می گیرد که مهم‌ترین خصوصیتش انتقاد از تمامی مظاهر تحجر سیاسی و فرهنگی است» (میرعابدینی، ۱۳۷۷: ۱۷).

به دنبال این اخذ و اقتباس، سیاسیون و تجدیدطلبان در ایجاد جنبش‌های ملی و میهن پرستی می کوشیدند. شعرا و نویسندگان نیز به همراهی با این جنبش‌ها و حمایت از آنها می پرداختند. به این ترتیب وطن دوستی، گرایش به ایران

و ناسیونالیسم را می توان از درون مایه ها و محورهای معنایی خاص شعر فارسی در دوره معاصر به خصوص شعر دوره مشروطه دانست.

در این دوره، وطن و ملت و به تبع آن، گذشته تاریخی و ملی ایرانیان جای بلندی را در شعر به خود اختصاص داد، البته در این میان، نوع نگاه شاعران به مفهوم وطن با یکدیگر متفاوت بود. مثلاً در شعر ایرج میرزا وطن یک پدیده توصیفی است. یعنی از نظر او، این شاهان نیستند که چنین وضعیتی را به ایران تحمیل کرده اند، بلکه مدیران کوچک تری هستند که به دلیل بی لیاقتی، کار شاه را دشوار می کنند. اما شاعرانی چون عارف و عشقی، خود را متعهد به وطن و ملت می دانند و از نظر آن‌ها شاهزادگان و سلاطین قاجار وطن فروشانی هستند که بر ویرانه های وطن چون جغدهای شوم نشسته اند و می خوانند.

در صورتی که در شعر کلاسیک فارسی، مفهوم وطن تقریباً وجود ندارد؛ چرا که وطن پیامد شکل گیری مفهوم ملت است و ملت مفهومی مدرن به شمار می رود. در گذشته مفاهیمی مانند قوم، قبیله و نظایر آن‌ها نقش اصلی را در روابط بین المللی و اقوام ایفا می کرده اند. «به طور کلی تلقی مسلمانان ایرانی نیز در گذشته نسبت به وطن با پس از مشروطه فرق داشت و وطن اسلامی شامل سرزمین های محل زندگی مسلمانان می شد؛ یعنی مسلمانان به تعبیر امروزی نگرش انترناسیونالیستی نسبت به اسلام داشتند. شاید بهترین مفسر این دیدگاه را بتوان اقبال لاهوری نامید که در اشعار خود از یک وطن بزرگ اسلامی

که تمام مسلمانان را از نژاد و رنگ و ملیت‌های مختلف دربر می‌گیرد سخن می‌گوید» (اکرام، ۱۳۳۳: ۱۳).

نخستین جرقه‌های آتشین شعر وطنی در عصر مشروطه در اشعار نویسندگانی چون ادیب الممالک فراهانی، سید اشرف الدین گیلانی، دهخدا و بهار نمایان شد. این ادیبان شاخص، هم‌زمان با سروده‌هایشان فعالیت سیاسی و اجتماعی و دموکراسی نیز داشته‌اند. شروع شعر وطنی و نشان دادن احساسات وطن‌خواهانه، ظاهراً با «ادیب الممالک فراهانی» است:

گریه کن بر وطن که گریه تو

به هوای وطن، زنان گریند

چشم دل را همی کند روشن

گر نگریی تو، کم‌تری از زن!

(آرین پور، ۱۳۷۳: ۳۲۴)

بعد از ادیب شاعرانی چون بهار، نسیم شمال و عارف قزوینی را می‌توان سراینندگان شعر وطنی نامید و در میان آن‌ها بهار را می‌توان در عرصه شعر وطنی، بهترین ستایشگر دانست (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۳: ۳۸).

ای وطن خواهان سرگشته و حیران تا چند؟

کشور دارا و نادار و پریشان تا چند؟

بدگمان و دو دل و سر به گریبان تا چند؟

گنج کیخسرو در چنگ رضاخان تا چند؟

ملک افریدون پامال ستوران تا چند؟

(بهار، ۱۳۶۸: ۵۱۶)

نکته‌ای که در اشعار شاعران پس از مشروطه از جمله شعر بالا به خوبی نمایان است، توجه بسیار به تاریخ ایران باستان است و این توجه تا حدود زیادی مرهون رشد گرایش‌های ناسیونالیستی است که در ادامه ادبیات مقاومت را به وجود آورد و رشد داد.

توجه به وطن، علاوه بر اینکه به صورت اظهار علاقه نسبت به آن مطرح می‌شود، گاهی نیز با شکایت از نابسامانی اوضاع ایران همراه است. فقدان آزادی سیاسی، رشد اجتماعی، سرسپردگی حکومت‌ها به قدرت‌های خارجی، رکود اقتصادی معیشتی، وجود نابرابری‌های اقتصادی-اجتماعی و انحطاط فرهنگی به ویژه دخالت‌های روزافزون قدرت‌های مسلط خارجی مانند روسیه و انگلستان در امور داخلی ایران، زخم‌هایی بر دل ریش شاعران آزادی‌خواه و وطن‌پرست بود که در اشعار آن‌ها اندوه و حسرت ناشی از این زخم‌ها انعکاس می‌یافت. از جمله این شاعران، بهار، نسیم، فرخی یزدی، عشقی و عارف بودند که نابسامانی‌های اجتماعی و سیاسی ایران را در اشعار خود منعکس می‌کردند. مثلاً عشقی در یکی از اشعارش می‌گوید:

ای دوست بین بی سروسامانی ایران

بدبختی ایران و پریشانی ایران

از قبر برون آی و بین ذلت ایران

این ذلت ایرانی و ویرانی ایران

آوخ که لحد جای تو شد تا به قیامت

رفتی و ندیدی تو پریشانی ایران

از وضع کنونی و ز بدبختی ملت

زین فقر و پریشانی و ویرانی ایران

(عشقی، ۱۳۴۴: ۳۶۸)

بهترین جلوه گاه وطن در شعر مشروطیت با مفاهیم مختلف آن است. عارف قزوینی می گوید: وقتی تصنیف وطنی ساخته ام که ایرانی از هر ده هزار نفر، یک نفرش نمی دانست وطن یعنی چه؟ تنها تصور می کردند وطن شهر یا دهی است که انسان در آنجا زاییده شده باشد. شکر خدا که بعد از مشروطه معنی وطن فهمیده شد (قزوینی، ۱۳۶۴: ۳۳۴).

بعضی از این شعرا مانند عارف، عشقی و... احساسات وطنی خود را بیش تر شبیه به طرز نگرش اروپاییان بیان کرده اند و حتی در برخی موارد، این احساسات وطنی رنگ و بوی شوونیزم به خود می گیرد؛ به ویژه آنجا که مسائلی درباره قوم عرب بیان می شود.

جامعه شناسی ادبیات پایداری ایران

اشاره

در ادامه نگاهی کوتاه می افکنیم به ادبیات پایداری از منظر جامعه شناختی تا در این نگاه هم بتوانیم ویژگی های این نوع ادبیات را دریابیم و هم اینکه انواع متفاوت و متنوع آن را در حوزه های مختلف بررسی کنیم. ویژگی های مهم ادبیات پایداری را می توان چنین بیان کرد:

«شناسه اصلی در ادبیات پایداری، عنصر تعهد است؛ یعنی ادبیات پایداری را نوعی از ادبیات متعهد و ملتزم می دانیم. ادبیات متعهد بنابر آنچه در منابع نقد ادبی معاصر آمده است به نظریه ژان پل سارتر نسبت داده شده است. او به صراحت در مورد ادبیات ملتزم می گوید: «غرض از ادبیات، تلاش و مبارزه است. تلاش و مبارزه برای نیل به آگاهی، برای تحرّی حقیقت و برای آزادی انسان و ازاین روست که نویسنده در مقابل عملی که می کند، مسئول است. برای چه می نویسد و دست به چه اقدامی زده است و چرا این اقدام مستلزم توسل به نگارش بوده است؛ زیرا سخن گفتن در حکم عمل کردن است» (سارتر، ۱۳۴۸: ۳۵).

«نظریه ادبیات متعهد و ملتزم به زمانی برمی گردد که بزرگ ترین معجزه الهی برای هدایت نوع بشر به وقوع پیوست و قرآن کریم بر نبی مکرم نازل گردید، قرآن که راهنمای جامع و کامل انسان در هر زمینه ای است در باب شعر به عنوان مظهر اتم کلام ادبی، نکاتی را مطرح نموده و تفاوت شاعر و شعر متعهد را از غیر متعهد در آیات مختلف بیان فرموده است. در اینجا تنها به ذکر آیاتی که به واژه های شعر و شاعر تصریح دارند اشاره می شود. در قرآن کریم یک بار واژه ی شعرا، یک بار کلمه شعر و چهار بار واژه شاعر آمده است:

۱. سوره شعرا، آیات ۲۲۴-۲۲۷؛

۲. سوره یس، آیه ۵؛

۳. سوره صافات، آیه ۳۶؛

۴. سوره حاقه، آیه ۴۱.

با همین برداشت از قرآن، شعر جهت پیدا کرد و در باب شعر و شاعر باید و نباید و مقصد و مقصود مطرح گردید و این باید و نبایدها مفهوم شعر متعهد را نمایان می کند. پس می توان نتیجه گرفت که عنصر اصلی در ادبیات پایداری، تعهد است. تعهد در برابر حیات معنوی و مادی و به عبارتی پایداری برای رسیدن به هدف زندگی متعالی» (امیری خراسانی، ۱۳۸۷: ۹۲).

حضور و نقش مردم

ادبیات پایداری با حضور مردم و نقش آنها، معرفی و شناخته می شود. برای مثال هر زمان کشور ما ایران از سوی نیروهای خارجی یا عوامل مستبد داخلی مورد ظلم واقع شده، ادبیاتی بارنگ و بوی پایداری پدید آمده است و این ادبیات زمانی گسترده تر و آشکارتر، قدم در نبردی فرهنگی گذاشته که قدرت حضور مردم در مسائل سیاسی و اجتماعی بیشتر بوده است.

تحولات اجتماعی

دگرگونی های اجتماعی ممکن است از طرق مختلف به وقوع بپیوندد: مثلاً از طریق:

- وجود یک حاکم مستبد؛ حاکمیت فردی وابسته به قدرت های خارجی بر یک جامعه؛ هجوم دشمنان و تجاوز آنان به مرزهای یک کشور.

به گواه تاریخ، ملت غیور ایران همیشه در برابر هر سه مورد ذکر شده بی تفاوت نبوده است و مجاهدت‌ها و ایثارگری‌های آنان به ویژه در رویارویی با مهم‌ترین رخداد اجتماعی تاریخ معاصر (بعد از انقلاب اسلامی)، یعنی جنگ ایران و عراق در تاریخ ثبت است رویدادی که بدون شک تحولات اجتماعی انکارناپذیری را به دنبال داشته است.

رهبران معنوی

پیشروان فکری هر جامعه‌ای که در برابر حاکمیتی جبار، با تولیدات فرهنگی بر مردم زمان خویش تأثیر گذارند به دلیل بهره‌گیری از ابزارهای ادبی در آفرینش ادبیات پایداری نقش آفرین می‌باشند. نمونه بارز آن کتاب «حکومت اسلامی» یا «ولایت فقیه» قبل از تشکیل حکومت جمهوری اسلامی توسط حضرت امام خمینی (ره) است.

ادبیات پایداری در دوره انقلاب اسلامی

با ظهور انقلاب اسلامی و تأثیر آن در تمامی شئون زندگی مردم و با جاری شدن سرچشمه زلال فرهنگ اسلامی، شاعران و نویسندگان نیز که برخاسته از درون جامعه بوده‌اند، بنا به مقتضیات انقلاب، تحت تأثیر قرار گرفتند و ارزش‌ها و مفاهیم تازه‌ای را در آثار خود به یادگار گذاشتند در ادامه با شروع جنگ تحمیلی و پدید آمدن انگیزه‌های جدید، جهشی بزرگ در ادبیات فارسی به وجود آمد. تا در آن ادبیاتی به نام انقلاب اسلامی شکل بگیرد. «ادبیاتی

که آینه ی باورها، نگرش ها و جلوه گاه آرمان های بلند و زلالی است که در آن اشک و لبخند، آرامش و خطر، فریاد و سکوت، خاکستر و آفتاب و خشم و نرمش هم خانه اند. شناختن و شناساندن ادبیات اسلامی، معرفی جریان زلال و جوشانی است که از متن قرآن سرچشمه گرفته، از ساحل سرزمین عطش کربلا گذشته و امتی عاشق و پایدار بالنده را در عصر قحطی ایمان و روزگار ظلمت زده، آبدیده، صبور، بزرگ و پیروز ساخته است» (تقیوی، ۱۵/۱/۱۳۹۲)

<http://www.hawzah.net>

انقلاب اسلامی ایران به عنوان واقعه ای بزرگ و تحولی بنیادین و آرمانی در جامعه، با لحظه هایی سرنوشت ساز، حادثه هایی بزرگ و نشیب و فرازهایی که با حیات انقلاب پیوند داشت بر ادبیات، به ویژه شعر تأثیر بسیار زیادی داشته است. شعر حمید سبزواری که در همان روزهای آغازین انقلاب سروده شده است نوید امید به آینده است:

«سحر از راه می آید

این پیغام را پیک نسیم از دور دست آورد

و من بوی سحر را از دم طوفانی این ظلمت دیوانه می بویم

و

می خوانم

فروغ صبح را در وحشت این ظلمت گستاخ

طلوع صبح را، لختی دگر تبریک...» (سبزواری، ۱۳۶۸: ۳۹۴).

با شروع جنگ تحمیلی ایران و عراق و دعوت به پایداری در مقابل دشمن بیگانه، واژگان قدیمی و از یادرفته فرهنگ دیرینه

اسلامی - ایرانی دوباره احیا شدند. هدف عمده شعر سال های نخست دفاع مقدس، توجه به مضمون جهت تهییج توده مردم و بسیج نیروها و ایجاد وحدت و همدلی بوده است. از آنجا که انقلاب اسلامی ایران، با حضور مردم و براندازی رژیم پهلوی همراه بود در شعر این دوره تشویق به همبستگی و متحدشدن علیه آمریکا و دشمن بعثی دیده می شود.

از جمله مضامین مورد نظر شاعران این دوره می توان به موارد زیر اشاره کرد: « مضامین حماسی، مبارزه با دشمن، حماسه سرایی عاشورا، آرمان های دینی، ثبت وقایع، مرثیه و سوگ سرایی، غزل سرایی بیشتر از نوع عارفانه و... است.

گذری بر شعر عاشورایی بعد از انقلاب اسلامی

با بررسی تاریخچه شعر فارسی می بینیم که بخش زیادی از آن ادای احترام شاعران به واقعه عاشورا است. عمیق ترین و پرمحتواترین اشعار به لحاظ اندیشه و همچنین عاطفی ترین و حماسی ترین اشعار تاریخ ادبیات ایران در زمینه عاشورا سروده شده است که رنگ و بویی از عرفان و معرفت عاشورایی در آن ها وجود دارد.

در طول تاریخ در هر زمان قرائت ویژه ای از واقعه عاشورا وجود داشته است در مقطعی بُعد حماسی آن و براندازی حکومت ظلم و در مقطعی دیگر بُعد عرفانی و اخلاقی این واقعه توجه شاعران را به خود معطوف کرده است.

در حقیقت شعر عاشورایی تلفیقی از شعر حماسی، عرفانی و اخلاقی است. شعر عاشورایی، امروز به یک جریان عظیم و

ارزشمند تبدیل شده است؛ جریانی که در آن شاعران هر کدام با زاویه نگاه خودشان در پی بیان واقعیت واقعه کربلا هستند، واقعه ای که از نظر حماسی و احساسی دارای بزنگاه های فراوانی است تا شاعران باورمند را به سوی خویش بکشاند.

حسین بن علی (ع) با شعار «ان کان دین محمد لم یستقم الا بقتلی، فیاسیوف خذینی» پیام آور رسالت احمدی و آرمان های آزادی و ستم ستیزی شد. این نگاه شهودی به شهادت، به بالندگی کلامی منجر شد که اینک آن را با نام شعر عاشورا می شناسیم. شاعران آیینی، حول این استوانه گرد می آیند و خیمه عاشورایی کلمه را بر می افزایند تا ارزش های الهی و آرمان های انسانی را از سر معرفت به تکریم بنشینند و مخاطبان تشنه جان را از زمزم زمزمه واژگان عاشورایی سیراب سازند. حسین بن علی (ع) خود نخستین کسی بود که پیش از شهادت، ملک الشعراء شعر عاشورا شد و چنین سرود:

«یا لقوم من اناس رذل / جمعوا الجمع لاهل الحرمین / ثم ساروا توأصو کلهم / باجتیاهی لرضا الملحدین» فرزند علی (ع) شعر عاشورا را با چنین ابیاتی بنیاد نهاد. پس شعر عاشورایی از چنان قداست دیرینه ای برخوردار است که ریشه هایش را می توان در محرم ۶۱ هجری جستجو کرد و در هزاره های پس از آن در سایه سار برگ و بارش آسود و قریحه شاعران شیدایی را با عطر شکوفه های شهودی اش آزمود.

همان طور که می دانیم شعر می تواند آینه ای روشن از اوضاع سیاسی و اجتماعی ملت ها در طول اعصار و قرون باشد

هر تغییر و تحولی که در جامعه ای رخ می دهد تأثیر مستقیم خویش را نیز بر ادبیات می گذارد. انقلاب اسلامی به عنوان حادثه ای بزرگ در تاریخ سرزمین ایران، بر جنبه های گوناگون مؤثر بود و بدون شک ادبیات و به خصوص شعر نیز از تأثیرات این قیام مهم برکنار نمانده است.

از آنجا که انقلاب اسلامی ایران با پیشوایی روحانیت و بر پایه دین شکل گرفته شعر و ادبیات نیز تحت تأثیر آموزه های دینی و الگو های اسلامی قرار گرفته است. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، توجه به آرمان های دینی و اهداف امام و استفاده از نمادها و شخصیت مذهبی و تاریخی بیشتر شد و شاعران بسیاری در حوزه شعر آیینی ورود کردند و آثار ارجمنندی پدید آوردند.

قیام های حق طلبانه علیه زور و زر، همچنین انقلاب ها در هر زمان و ابعاد، همیشه و در همه حال تداعی کننده نام و یاد قیام امام حسین (ع) و یارانش است. بنابراین در روز های مصادف با نبرد، حماسه و خون، شاعران مدام انقلاب خونین کربلا را پیش چشم می آورند و با سروده های عاشورایی، اعتقادات انقلابی خویش را منعکس می کنند. «شعر این دوره، به ویژه از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی و در سال های آغازین جنگ، شعری شعار گونه، پر تپش و عریان بود که تنها می خواست فریاد های شور انگیز مردم را گزارش کند. اما هر چه زمان می گذشت و هیجان های جامعه فرو می نشست، شعر نیز آرام تر می شد و شکل هنری به خود می گرفت. شعر انقلاب

اسلامی از دیدگاه مفهومی نیز با شعر پیش از خود، به ویژه شعر رمانتیک پیش از انقلاب تفاوت هایی داشت. رویکرد به دین و سنت های دینی، به ویژه مذهب تشیع پرداختن به قیام عاشورا، توجه به نهضت های آزادی بخش اسلامی، غرب ستیزی و... از جمله این تفاوت هاست» (حسن لی، ۱۳۸۸: ۶۵).

نرگس انصاری، پژوهشگر شعر عاشورایی می گوید: «پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ بزرگ ترین حادثه قرن بود که تحولی بنیادین در مضامین و نگاه شاعران ایجاد کرد. خداگرایی، خودآگاهی، بازگشت به خویشتن، اصالت دادن به ارزش های متعالی اسلامی و انسانی و بهره گیری از مفاهیم قرآنی از جمله ویژگی های محتوایی شعر انقلاب است، شعری پرتحرک، پویا، فریاد گونه، که محتوای آن بر سه محور استبدادستیزی و مبارزه با ستم، تعهد و مسئولیت، طنز و انتقاد قرار دارد» (انصاری، ۱۳۸۹: ۸۵).

مشاهده حوادث انقلاب، شاعران را بیش از پیش عاشورایی و یاد آوری حوادث عاشورا، شاعران را بیش از پیش انقلابی می کرد. «عناصر مشابه و مشترک موجود در دو انقلاب از قبیل جان فشانی های انقلابیون، عنصر شهادت، صبر، ایمان، ایثار و اخلاص به نوعی تطابق ادبی انجامید و عاشورا به مثابه الگوی عملی چه در عرصه عمل و چه در عرصه نظر (که ادبیات نیز از جمله شئون آن بود) مطرح گردید» (ضیایی، ۱۳۸۹: ۱۸۹).

در تحول شعر عاشورایی بعد از انقلاب عواملی چند تأثیر گذار بوده اند از جمله توصیه های مقام معظم رهبری مبنی بر زنده نگه داشتن عاشورا و شروع جنگ تحمیلی همچنین تأثیر متقابل

و غیرقابل انکاری که شعر جنگ و شعر عاشورا بر روی هم گذاشتند، شاعران را بر آن داشت تا با تاثیر از واقعه ی عاشورا و به دلیل شباهت های بسیاری که این دو واقعه باهم داشتند، در باب وقایع دفاع مقدس قلم بزنند.

تفکر و تعقل در واقعه عاشورا، از مؤلفه های مهمی است که در شعر عاشورایی بعد از انقلاب به خوبی نمایان است. خلاف آنچه در شعر عاشورایی دوره های پیش رایج بود، این گونه شعر، پس از انقلاب، صاحب پیام شد. شعر عاشورایی در گذشته، تنها به سوگ می پرداخت. شعر «در دست مردم کوچه و بازار بود و صرفاً شاعران درجه دوم و سوم و گاهی شاعری فرهیخته و نامی به شعر آیینی می پرداخت» (همان: ۴۶۴) این اشعار هدفی جز گریاندن نداشت. «شعر شیعی در اکثر اوقات، مخصوصاً پیش از انقلاب راه را بر اشک بی معرفت می گشود که پس از گریستن نمی دانستی چرا اشک ریخته ای، اما در شعر عاشورایی پس از انقلاب، ابالفصل راز رشیدی است که تکه تکه افشا می شود» (همان، ۱۳۸۱: ۱۵۸).

اما شاعران انقلابی امروز، دو عنصر مهم دیگر یعنی حماسه و پیام را در کالبد بی جان شعر عاشورایی دمیدند و بسیار، به مذمت شاعرانی که عاشورا را در چند واژه ناله و تشنگی و اسارت خلاصه می کردند، پرداختند:

حد تو رثا نیست عزای تو حماسه است

ای کاسته شأن تو از این معرکه گیران

(فتحی، ۱۳۸۸: ۳۷۶)

شاعر فهیم عاشورایی، حماسه را به شعر عاشورا پیوند می زند و از درماندگی شاعران بیچاره، فریاد بر می آورد که:

شاعران بیچاره

شاعران درمانده

شاعران مضطر

با نام تو چه کردند؟

و خود در ادامه این گونه حماسی می سراید که:

تاریخ زن

آبرو می گیرد

وقتی پلک صبوری می گشایی

و نام حماسی ات

بر پیشانی دو جبهه نورانی می درخشد:

زینب! (حسینی، ۱۳۸۳: ۶۷).

عاشوراسرایان بزرگ امروز، قاعده نگاه تکراری به عاشورا که همان مرثیه سرایی های تکراری تشنگی، زخم، اشک، اسارت و... است را بر هم زدند و به برجسته سازی هدف های آرمانی امام شهدا و پیامدهای این قیام عظیم پرداختند. چراکه پیام های این قیام بیش از مرثیه سرایی های آن شمردن دارد.

جهان یکسره فریاد می شد

اگر روضه خوان ها

حرف هایت را می شمردند

نه زخم هایت را (بیابانکی، ۱۳۹۰: ۹۳).

شاعران هم چنان که غم و اندوه خود را نسبت به پرپر شدن فرزندان پاک رسول خدا با محزون ترین و مظلوم ترین واژه ها به تصویر کشیدند، به این واقعیت تلخ که کوتاهی و سستی از شیعیان و بی وفایان امام بود، رنگی پررنگ زدند. گاه شاعر به گذشته نقب می زند و ابتدای حادثه کربلا را در غدیر و سقیفه می جوید:

ابتدای کربلا مدینه نیست، ابتدای کربلا غدیر بود

ابر های خون فشان نینوا، اشک های حضرت امیر بود

(قزوه، ۱۳۸۷: ۶۴).

گاه شاعر از نفاق و دورنگی اطرافیان امام می خروشد که مدعیانی دروغین، بیش نبودند و چه بی گاه امام را دشمن شدند:

پیشانی تمام یشان داغ سجده داشت

آنان که خیم هگاه مرا تیر م یزدند

این مردمان غریبه نبودند ای پدر

دیروز در رکاب تو شمشیر م یزدند

(همان: ۱۹۱)

این تقصیر نه تنها از کوفیان آن روزگار، که از مردمان در همه زمان ها و دوران ها سر زده است. تاریخ بشر در مقابل این واقعه محکوم است و تا قیامت تاوان این خون را بر دوش می کشد:

بی درد مردم ما خدا، بی درد مردم

نامرد مردم ما خدا نامرد مردم

از پا حسین افتاد و ما بر پای بودیم
زینب اسیری رفت و ما بر جای بودیم
از دست ما بر ریگ صحرا نطع کردند
دست علمدار خدا را قطع کردند
نوباوگان مصطفی را سر بریدند
مرغان بستان خدا را سر بریدند
در برگ ریز باغ زهرا برگ کردیم
زنجیر خاییدیم و صبر مرگ کردیم
چون بیوگان ننگ سلامت ماند بر ما
تاوان این خون تا قیامت ماند بر ما
(معلم دامغانی، ۱۳۸۶: ۶۶).

شاعر از کوفیان این روزگار دم می زد که هنوز هم که هنوز است، برقرارند و تاریخ چیزی را عوض نکرده است:
چیزی عوض نشده...

فقط تقویم ها شیک تر شده اند!

و سال هاست دو روز پشت سر هم سرخ اند

می گویی نه

مسلمی بفرست

تا از بلند ترین برج پایتخت پرتش کنیم (بیابانکی، ۱۳۹۰: ۱۱۰).

از دیگر عواملی که باعث رشد و بالندگی شعر عاشورایی به خصوص در دهه های اخیر شد، توجه نهاد ها و ارگان های

فرهنگی و ادبی به برگزاری همایش‌ها و جشنواره‌ها با موضوع شعر آیینی است. رواج این گونه نشست‌ها به مناسبت‌های مختلف و در شهرهای گوناگون ایران، انگیزه‌ای برای شاعران جوان فراهم کرد تا طبع خود را در راه آفرینش آثار آیینی به کار گیرند. این گونه تلاش‌ها در حوزه شعر عاشورایی به بار نشست و تحریض قلم و اندیشه شاعران را باعث شد و این شعر را به قله‌های بلندی رساند. همچنین مجموعه آثار شاعران شرکت‌کننده در این کنگره‌ها، به چاپ رسید و ادبیات مکتوب عاشورایی را پربارتر کرد. مجموع این عوامل سبب شد شعر عاشورا پس از انقلاب اسلامی، از لحاظ محتوا هر روز غنی‌تر و پرمایه‌تر گردد و با زبانی فخیم و محکم به شرح این انقلاب سترگ از تمام جهات پردازد. اما تغییر دیدگاه تنها به تغییر در محتوا محدود نشد، بلکه تغییرات ساختاری و لفظی را نیز وارد میدان شعر عاشورایی کرد. قوالی که در گذشته برای روایت عاشورا به کار گرفته می‌شدند، به گونه‌ای تازه، به سخن درآمدند و قالب‌هایی هم که به تازگی جان گرفته بودند، پذیرای مفاهیم عاشورایی شدند. «قالب‌هایی که بیشتر مطمح نظر شعرای متقدم در زمینه شعر عاشورایی بوده، به ترتیب می‌توان از ترکیب بند، مثنوی و قصیده نام برد. اما در شعر عاشورایی دو دهه اخیر، قالب‌های غزل، رباعی، دوبیتی و مثنوی به ترتیب اهمیت حرف اول را می‌زنند و بیشتر آثار منظوم عاشورایی را به خود اختصاص داده‌اند و قالب‌های قصیده، ترجیع بند، انواع مسمط، ترکیب بند خصوصاً مربع

ترکیب، دوبیتی متصل، شعر آزاد و تضمین در مراحل بعدی این رده بندی قرار می گیرند که حکایت از تنوع قالب در شعر عاشورایی معاصر دارد و شعرای آیینی این دوره قالب های کوتاه شعری (غزل، رباعی و دوبیتی)... را برای بیان مطلب مناسب تر تشخیص دادند و لذا آثاری که در این قالب ها آفریده شده، عموماً از نظر کیفی بر دیگر قالب ها رجحان دارد» (مجاهدی، ۱۳۷۹: ۴۰۹).

روی آوردن شاعران انقلاب به ترکیب بند، شاید هنوز برگرفته از تأثیری است که ترکیب بند روح نواز محتشم کاشانی در یاد ها و خاطره های نسل های بعد از خود تا به امروز، به یادگار گذاشته است. چنانکه پیش از این نیز سرودن ترکیب بند، بر وزن یا فضای ترکیب بند محتشم به یک سنت تبدیل شده بود. شاعران این دوره، ترکیب بند هایی محدود اما ماندگار را به شعر عاشورا عرضه کردند که به مراتب از ترکیب بند محتشم، خیال انگیز تر و هنرمندانه تر و در عین حال حماسی تر سروده شده است. علی موسوی گرمارودی از شاعران مطرح انقلاب، ترکیب بند عاشورایی «آغاز روشنی آینه» را می سراید و در هر بند از آن، به وصف یکی از قهرمانان کربلا می پردازد. شاعری چون علیرضا قزوه، با قالب ترکیب بند، «با کاروان نیزه» ای می آفریند که یکی از شاهکار های شعر عاشورایی لقب می گیرد و شاعر جوان تری پس از او به نام محمد سعید میرزایی، به خلق ترکیب بندی عاشورایی دست می زند که جزو بهترین آثار او قرار می گیرد. شاعران پیر و جوان دیگر

نیز از این قالب شعری برکنار نمانده اند. آنان ترکیب بند را نه به صورت «غزل های بلند و دارای میانوند»، بلکه به صورت «ترکیب بندهای کوتاه مربع و مسدس» به خدمت گرفتند (کافی، ۱۳۸۸: ۲۵۲).

از قدیمی ترها، مشفق کاشانی را می توان نام برد که با تضمین بیت به بیت ترکیب بند محتشم، خود، مسمطی دوازده بندی خلق کرده است و نام «صلای غم» را بر آن گذاشته است:

از موج فتنه چشم جهان غیرت یم است

صبح امید چون شب تاریک مظلّم است

وز تندبادِ حادثه پشت فلک خم است

دیروز در رکاب تو شمشیر می زدند

باز این چه نوحه و

چه عزا و چه ماتم است

از سینهٔ زمانه یکی آه آتشین

یارب دمیده است مگر روز واپسین

برخاست تا به بارگه هستی آفرین

«باز این چه رستخیز عظیم است کز زمین

بی نفخ صور خاسته

تا عرش اعظم است»

(کاشانی، ۱۳۶۶: ۱۷)

شاعر جوان و موفق این دوران، سید حمیدرضا برقعی، مربع ترکیب بندی را به آثار عاشورایی معاصر هدیه می کند که از نوآوری و خلاقیت سرشار است. او از محتشم رخصت می طلبد و برای

اولین بار، پای «عصر عاشورا»ی فرشچیان را به شعر باز می کند:

با اشک هاش دفتر خود را نمود کرد

در خود تمام مرثیه ها را مرور کرد

ذهنش ز روضه های مجسم عبور کرد

شاعر بساط سینه زدن را که جور کرد

احساس کرد از همه عالم جدا شده است

در بیت هاش مجلس ماتم به پا شده است

در اوج روضه خوب دلش را که غم گرفت

وقتی که میز و دفتر و خود کار دم گرفت

وقتش رسیده بود به دستش قلم گرفت

مثل همیشه رخصتی از محتشم گرفت

باز این چه شورش است که در جان واژه هاست

شاعر شکست خورده طوفان واژه هاست

بی اختیار شد قلمش را رها گذاشت

دستی ز غیب قافیه را کربلا گذاشت

یک بیت بعد واژه لب تشنه را گذاشت

تن را جدا گذاشت و سر را جدا گذاشت

حس کرد پا به پاش جهان گریه می کند

دارد غروب فرشچیان گریه می کند

قالب های دیگر شعر، از نو و کلاسیک، هر کدام به نحوی در شعر عاشورایی بعد از انقلاب، نمایان شدند. «با وقوع

انقلاب، وضعیت قالب‌ها تغییر کرد، طرز تازه قدری عقب کشید. مثنوی و رباعی حضوری بسیار چشمگیر یافتند. و حتی سایر قالب‌ها نظیر قصیده و دویتی نیز حرارتی در خود احساس کردند. اما غزل هم چنان مرتبه نخست را داشت و تقریباً از ناموران شعر انقلاب، شخصیتی نمی‌توان یافت که غالب آثارش را در این ساخت، پرداخته باشد، حتی نوگرایان و نوسرایان ادبیات انقلاب اسلامی آثار غزلی‌شان بیش‌تر است. از آنجا که تمام شاعران انقلاب اسلامی به مضمون عاشورا می‌پرداختند، غزل عاشورایی این عهد نیز جایگاهی شایسته دارد» (کافی ۱۳۸۸: ۵۲۸).

این غزل‌ها به خصوص در شعر جوان‌ترها، با بیانی تازه و ملموس و هم‌زمان کوبنده و حماسی سروده شده است که کار شاعران عاشورایی را به شاعران سبک‌هندی و مکتب وقوع نزدیک می‌کند. از دلایلی که می‌توان برای گرایش به سبک‌هندی در شعر معاصر بیان کرد «تازگی زبان این شیوه است. نهضت نوگرایی معاصر با توجه به ویژگی‌هایی از قبیل ترکیب‌سازی، آشنایی زدایی، حس آمیزی و تصویر و ترکیب‌های پارادوکسی به این شیوه التفات نشان داد» (کافی، ۱۳۸۱: ۱۷۵).

پرداختن به عینیات و حسیات نیز، کار شاعران مکتب وقوع است که رد پایی در شعر عاشورایی بعد از انقلاب دارد. «از ویژگی‌های بارز سبک وقوع، به کارگیری زبان ساده، صریح و عریان و استفاده از بیان صمیمی و دوست‌داشتنی در توصیف حالات عاشقانه است که به صورت کاملاً واقعی و نه در عالم

خیال مجال بروز و ظهور پیدا می کند، و به تصویر کشیدن این جاذبه های شدید عاطفی و انسی به شکل واقعی و طبیعی و در عین حال هنرمندانه، از رسالت پیروان این سبک به شمار می رود. طبیعت سبک وقوع حضور الزامی آرایه های لفظی و معنوی و اغراقات شاعرانه و بیان متکلفانه را به هیچ روی بر نمی تابد و در تبیین حالات واقعی عاشقانه، از زبانی ساده و عریان و بیانی صمیمی به عنوان ابزاری مطمئن سود می جوید و جزئی گویی و مضمون پردازی از خصیصه های ذاتی این سبک به شمار می رود» (مجاهدی، ۱۳۷۹: ۳۴۹).

یک نمونه غزل هایی که در همین سال ها از سید حمید رضا برقی برای خطبه خوان پنجم عاشورا امام محمدباقر که زیبایی را در لفظ و معنا به نمایش گذاشته است:

نگاه کودکی ات دیده بود قافله را

تمام دلهره ها را تمام فاصله را

هزار بار بمیرم برات می خواهم

دوباره زنده کنم خاطرات قافله را

تو انتهای غمی از کجا شروع کنم

خودت بگو بنویسم کدام مرحله را

چقدر خاطره تلخ مانده در ذهنت

ز نیزه دار که سر برده بود حوصله را

چه کودکی بزرگی است اینکه دستانت

گرفته بود به بازی گلوی سلسله را

میان سلسله مردانه در مسیر خطر
گذاشتی به دل درد داغ یک گله را
چقدر گریه نکردید با سه ساله چقدر
به روی خویش نیاوریده اید آبله را
دلیل قافله می برد پایه پای خودش
نگاه تشنه آن کاروان یک دله را
هنوز یک به یک آری به یاد می آری
تمام زخم زبان های شهر هلهله را
مرا ببخش که مجبور می شوم در شعر
بیاورم کلماتی شبیه حرمله را
بگو صبور بلا در منا چه حالی داشت
که در تلاطم خون دید قلب قافله را
(برقی، ۱۳۹۰: ۳۷)

مثنوی و رباعی از قالب های پر جنب و جوش در شعر عاشورایی بعد از انقلاب اند. در عرصه مثنوی سرایی، علی معلم با آن زبان حماسی و آرکائیک، حرف اول را می زند. از میان شاعران برگزیده در این پژوهش نیز احمد عزیزی در مثنوی های خود، حرف های تازه ای برای گفتن دارد. نادر بختیاری از دیگر شاعرانی است که در میدان مثنوی عاشورایی خوش می تازد:

یک بار دیگر العطش شعله ور شده است

چشمانم از تراوش خورشید تر شده است

ای ذوالفقار در تف خون خفته ای حسین!

ای حیدر دوباره برآشفته ای حسین!

مظلومی از درون تو می خواندم به پیش

هل من معین خون تو می خواندم به پیش

من این من همیشه مسافر به سوی تو

من آن که مانده بر تن او آرزوی تو

لال تحیر آینه سان شب نداشتم

می خواستم بتازم و مرکب نداشتم

می خواستم به خلسه خون آشنا شوم

هفتاد و سومین سر از تن جدا شوم

وقتی که تشنه تاخت به سوی معاد خون

برخاست از مهابت او گردباد خون

آن گاه عرصه بر نفس او سپند شد

بانگ فیا سیوف خذینی بلند شد

اسلام کفر تن به مجوس و مجوسه زد

دیدم که تیغ بر رگ خورشید بوسه زد

روحي بلند همچو ملانک خروج کرد

روحي که بال و پر زد و قصد عروج کرد

آن روح در طواف به گرد امام شد

وآن حج ناتمام بدین سان تمام شد

وقتی سر مبارک او را برید مرگ

صد بار مرد و زنده شد و وارheid مرگ

دیدم که نور می زند از دخمه ای برون

دل خسته ام کشاند به دنبال رد خون

خون در میان نور چه می کرد؟ یا علی

خورشید در تنور چه می کرد؟ یا علی...

(بختیاری، ۱۳۸۷: ۲۱۴)

«به طور اجمال می توان تازگی زبان، گستردگی دایره واژگان، باستان گرایی، تصویرهای عینی و ملموس و بهره گرفتن از وزن های بلند، قافیه های پر خون و ردیف های طولانی را از ویژگی های مثنوی عاشورایی در ادبیات انقلاب دانست» (کافی، ۱۳۸۸: ۵۳۵).

رباعی عاشورایی را می توان در دفتر هم صدا با حلق اسماعیل اثر سید حسن حسینی به وفور یافت. حسینی در رباعی های خود با هنرمندی، مضامین جنگ و دفاع مقدس را با مفاهیم عاشورا پیوند می زند و این دو گونه شعری را بیش از پیش با هم، هم ریشه و هم سو می یابد. بالا- بردن روحیه ظلم ستیزی و داد خواهی، نگاه آگاهانه و با بصیرت به وقایع پیرامون و پیروی از پیشوایان و هدایت گران، مضمون اکثر رباعی های حسینی اند.

عالم همه خاک کربلا بایدمان

پیوسته به لب خدا! خدا! بایدمان

تا پاک شود زمین ز ابنای یزید

همواره حسین مقتدا بایدمان

(حسینی، ۱۳۸۶: ۱۰۹)

شاعر هم دوره و هم دل و هم مسلک با حسینی، قیصر امین پور نیز در مجموعه «در کوچه آفتاب» رباعیاتی با موضوع انقلاب و جنگ و عاشورا دارد که هم مضمون با رباعیات

حسینی است و حیف است که در بحث از شعر عاشورایی بعد از انقلاب از آن ها و شاعرش یادی به میان نیاورد.

برخیز که روح آب بر خاک افتاد

آن را کب خون رکاب بر خاک افتاد

چشمان شفق به سوگ خون می گرید

همسایه آفتاب بر خاک افتاد

(امین پور، ۱۳۶۳: ۲۶)

جدی ترین اثر عاشورایی امین پور منظومه «ظهر روز دهم» اوست که ویژه گروه سنی نوجوان و با فضاسازی و ساختاری متناسب با ذهن مخاطب خود سروده است. او مثنوی نی نامه را نیز در کارنامه سروده های عاشورایی خود دارد که در آن حدیث نی و بر نی شدن سر امام و شهدای کربلا را با بیانی نمادین و تمثیلی به تصویر کشیده است:

خوشا از دل نم اشکی فشاندن

به آبی آتش دل را نشانندن

خوشا زان عشق بازان یاد کردن

زبان را زخمه فریاد کردن

خوشا از نی، خوشا از سر سرودن

خوشا نی نامه ای دیگر سرودن

نوای نی نوایی آتشین است

بگو از سر بگیرد، دل نشین است

نوای نی، نوای بی نوایی است

هوای ناله هایش نینوایی است

نوای نی نوای هر دل تنگ

شفای خواب گل، بیماری سنگ

قلم تصویر جانکاهی است از نی

علم، تمثیل کوتاهی است از نی

خدا چون دست بر لوح و قلم زد

سر او را به خط نی رقم زد...

(امین پور ۱۳۸۸: ۳۶۳)

سلمان هراتی نیز شبیه دوستان شاعرش، رباعی های عاشورایی می آفریند:

زان دست که چون پرنده بی تاب افتاد

بر سطح کرخت آب ها تاب افتاد

دست تو چو زود تا ابد جاری شد

زان روی که در حمایت از آب افتاد

(هراتی ۱۳۸۶: ۵۸)

از دیگر رباعی سرایان شاخص این دوره محمد رضا سهرابی نژاد و بیژن ارژن را می توان نام برد. «کوتاهی قالب، کوبندگی وزن و فشردگی مضمون در رباعی سبب شد تا در روزگار تپش انقلاب و در سال های متمادی جنگ این قالب، اقبال وافر یابد و در شکار مضمون و بیان نکات حماسی دست افزار نخست شاعران قرار گیرد» (کافی، ۱۳۸۸: ۵۳۷). غلامرضا رحمدل، قالب های کوتاه شعری را مناسب نسل جنگ می داند: «حافظه تاریخی نسل جنگ، با قوالب کوتاه اطلاع رسانی مأنوس تر است تا قوالب بلند و سینه نسل جنگ برای انتقال قوالب کوتاه اطلاع رسانی به سینه نسل های پس از جنگ، آمادگی بیشتری دارد تا انتقال قوالب بلند» (شرفشاهی، ۱۳۸۴: ۷۷).

او را که فشرد در بغل چون جانش

او مانده فقط ز جمع سربازانش

با مصحف کوچکش به رزم آمده بود

شش آیه نداشت بیشتر قرآنش

(سهرابی، ۱۳۷۸: ۱۴۸)

خورشید، سر بریده در تشت طلاست

شب، سینه پر ز تیر مردان خداست

نیزار غروب، خیمه های سوزان

مه، گمشده دختری ز جمع اسراست

(همان، ۱۵۸)

ای لاله تو از سلالة عبّاسی

خون نامه ای از رساله عبّاسی

بر کتف بدون دست او سبز شدی

زان نام تو گشت لاله عبّاسی

(ارژن، ۱۳۸۷: ۱۴۲)

دوبیتی نیز با بسامدی کم تر نسبت به رباعی، گهگاه در شعرهای عاشورایی شاعران شاخص بعد از انقلاب دیده می شود. اینجا هم دوبیتی به همان صورتی است که انتظارش را داریم، یعنی با همان زبان و بیان ساده و مردمی خود از محرم دم می زند:

دلَم دریاچه غم شد دوباره

قد آینه ها خم شد دوباره

صدای سنج دمام او مداز دور

بخون ای دل محرم شد دوباره

بخون ای دل که دشتستون صدا شه

کمی فایز بخون دردم دوا شه

ملائک نوحه خونای حسین اند

بخون والله خدا هم از خدا شه

(قزو، ۱۳۸۸: ۱۶۶)

هر چند عمده شاعران آیینی بعد از انقلاب، قالب های سنتی شعر را، برای بیان مفاهیم و مضامین مذهبی به خدمت گرفتند، اما شعر آزاد گاهی چنان در این میدان درخشیده است که نمی توان از آن سخنی به میان نیورد. کافی، دلایل رویکرد شاعران انقلابی به شکل های سنتی را بدین قرار می داند:

«۱- از آنجا که پدیده اجتماعی انقلاب خود ریشه در سنت داشت، بسیار طبیعی بود تا برخی از شاعران که به این جریان منسوبند، گرایش به سنت در شعر داشته باشند.

۲- پدیده شور انگیز انقلاب و با فاصله ی اندکی بروز

جنگ، زبانی سترگ و حماسی را طلب می کرد تا حضور روشنگرانه و گران خود را با صلابت تمام فریاد کند و این از قالب نوپای شعر روز که هیچ گونه تجربه ای در حماسه پردازي نداشت، برنمی آمد.

۳- بزرگان شعر نیمایی و شیوه آزاد، عموماً روشنفکرانی غیر دینی بودند که شاعر دردمند و متعهد انقلاب نزدیک شدن به مشی هنری شان را اکراه داشت.

۴- تنها امتیاز شعر نو، تازگی زبان بود که با آمادگی پیدا کردن قالب های سنتی برای پذیرفتن زبان و مضامین نو، این امتیاز و وجه موجه را نیز از دست داده بود.

۵- بازگشت به مذهب در انقلاب و رویکرد عرفانی شعر انقلاب و تناسب قالب های سنتی با این موضوع و مضمون، سبب دیگری برای معطل ماندن قالب های نو بود.

۶- ابتذال زبان و محتوا در نزد شاعران درجه دو نوسرا باعث رکود طرز تازه شده بود و موج های مختلف شعر نو، موج نو، ناب و حجم سطحی و بدون شناخت نقادانه رو شده بودند و سؤالات شاعران جوان انقلاب در این باره بی پاسخ مانده بود» (کافی، ۱۳۸۸: ۴۵۷).

گرما رودی از شاعران سنتی سرایی است که یک باره شعر سپیدی به عظمت و غزایی «خط خون» می آفریند. این شعر که از تمام شعر های عاشورایی این شاعر به لحاظ قوت در بیان و هنرنمایی های ادبی بالاتر است، از شاهکار های شعر

عاشورایی معاصر محسوب می شود. خط خون، روایت یکدست و منسجمی است که رنگ و بویی تاریخی و اساطیری دارد. در این شعر به هم آمیختگی طبیعت و ماورای طبیعت در آفریدن فضای ملموس و عینی مؤثر واقع شده است؛ از طرفی گره افکنی های بسیار هنرمندانه شاعر، تلاش و کاوش ذهن و تخیل را بر می انگیزاند. در مجموع نگاه متفاوت شاعر به واقعه و استفاده از تعابیر پخته و حماسی و تصاویر زیبا، سبب ماندگاری شعری عاشورایی در قالب سپید شده است.

دیگر شاعری که شعر نیمایی و سپید را در عرصه شعر عاشورایی سر بلند کرد، سید حسن حسینی است که نگاه تازه ی خود به قیام امام را در مصراع های کوتاه و بلند دفتر گنجشک و جبرئیل به تماشا گذاشت. حسینی در این مجموعه تقریباً عاشورایی، با زبانی محکم و کوبنده، عاشورائیان را به گونه ای نو به تصویر می کشد. خیال انگیزی های نازک و تو در تو، ابهام و پیچیدگی هایی که گاه به افراط کشیده می شود، تصاویر و تعابیر رنگارنگ و استفاده بسیار از عناصر طبیعی و انسانی در تصاویر استعاره و کنایی، سبک شعر حسینی را به شعر سبک هندی نزدیک می کند. در مجموع این اثر، پیوندی میان قالب های نو و ادبیات انقلاب و شعر عاشوایی است.

از دیگر قالب های شعری، اگرچه در مجموعه های شاعران کم و بیش وجود دارد، اما آثاری شاخص که بتوان آن را جزو نمونه های برجسته شعر عاشورا شمرد، مشاهده نشده است. چه بسا قالب های قدیم و جدیدی که به تازگی در جریان

نوگویی مضامین عاشورا قرار گرفته اند و برای شاخص شدن نیازمند گذر زمان اند. قالب هایی اعم از قصیده و دوبیتی و بحرطویل که اخیراً نظر شاعران جوان آیینی را به خود جلب کرده است.

خارج از بحث پیرامون قالب، پس از وقوع انقلاب اسلامی، در لحن و بیان و واژگان اشعار عاشورایی نیز اتفاقاتی رخ داد. چنان که پیش از این نیز اشاره شد، شاعران پس از تغییر و تحولات ناشی از انقلاب، هنری سرایی و مذهبی سرایی را که سابقاً میانه خوشی با هم نداشتند در یکجا جمع کردند؛ که این ناشی از نگاه تازه و دیگرگونه آن ها به این واقعه سترگ بود. به دنبال همین نگرش ها، لحن و بیان شاعران نیز تغییر کرد و شعر، زبانی روشن و ساده به خود گرفت و همین دلیلی بر جای گیر شدن شعر آیینی در میان مردم شد.

«شعر عاشورایی امروز باید دارای بیان عینی و ملموس و شیوه گفتاری آن بر اساس مشهودات و مفاهیم مادی و محسوس، استوار باشد تا مخاطب بتواند به راحتی با آن ارتباط برقرار کند و آن را با تمام وجودش حس کند و درعین حال امکان برداشت فکری و دریافت اندیشگی را به او بدهد. تاریخ مصرف مفاهیم معنوی، انتزاعی و غیرملموس اگر کلاً سر نیامده باشد به پایان خود نزدیک می شود. صداقت، ایثار، مروّت و مفاهیمی از این دست، از ارزش های کلیدی عاشورا به شمار می روند و وظیفه شاعر این روزگار برای نشان دادن این مفاهیم ارزشی، از بیان عینی و مشهودی بهره گرفتن است (مجاهدی، ۱۳۷۹: ۳۴۰).

پیدایش ردیف های اسمی و قافیه هایی بدیع و نو در اشعار عاشورایی، ناشی از دید وسیع شاعران به تمام جنبه های عاشورا و در نتیجه گسترش دایره واژگان و کثرت لغات است. به عقیده شفیع کدکنی انتخاب ردیف هایی که جنبه اسمی دارند، برای نمایش دادن قدرت شاعری گویندگان است «حضور ردیف های جاذبه دار، خوش آهنگ و خوش تراش و پیام دار، به برقراری موسیقی کناری شعر در میان کلمات کمک می کند و غنای محتوایی آن را سبب می شود». (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۰: ۲۲۵) واژگان و الفاظ به کار رفته در اشعار نیز، متناسب با بیان حماسی و جهادی شاعران این دوره تغییر کردند. «علاوه بر واژگان مشترک که با طرز نو در زبان شعر انقلاب راه یافته بود، واژگان خاص ماجرای کربلا، نام مکان ها، اشخاص، ابزار و آلات جنگ قدیم، این دایره را وسیع تر ساخت. هم چنین به دلیل آیینی بودن شعر عاشورا، میزان قابل توجهی واژگان قرآنی، پاره هایی از آیات قرآن، احادیث، روایات و زیارات مربوط به آن و اصطلاحات اهل مدرسه نیز در حوزه زبان و واژگان شعر عاشورایی عهد انقلاب وارد شد» (کافی، ۱۳۸۸: ۵۴۸).

تغییر و تحول در زمینه لغات و کلمات هم چنین، تنوع در وزن و بحر و لحن را به همراه می آورد. شعر عاشورایی امروز، اوزان مختلفی را به خود دیده است. غلامرضا کافی اهمیت موسیقی در شعر عاشورایی را به دلیل کاربری مدیحه سرایی، پرده خوانی، مقتل خوانی، تعزیه گردانی، مداحی و پیش واقعه خوانی می داند. وی معتقد است تنوع اوزان در شعر عاشورا به خاطر همین دلایل است (همان: ۵۴۹).

محمد علی مجاهدی، شعر عاشورایی را متنوع‌ترین اشعار از لحاظ اوزان عروضی می‌داند. «از اوزان کوتاه گرفته تا اوزان بلند و از اوزان معروف و مأنوس تا اوزان نادر و کم سابقه در شعر عاشورایی امروز می‌توان سراغ گرفت. صرف نظر از برخی اوزان نامطبوع و بلند که در برقراری ارتباط با مخاطبان غالباً دچار مشکل می‌شوند، حضور سایر اوزان را به خاطر تنوعی که به آهنگ شعر عاشورایی معاصر بخشیده‌اند بایستی به فال نیک گرفت، چرا که هر وزنی مقتضیات خاص خود را دارد و به شاعر این اجازه را می‌دهد که در گستره‌ی واژگانی خود، واژه‌های تازه‌ای را شکار کرده و سراغ ترکیبات جدیدی برود که با وزن شعر هماهنگ‌تر باشد» (مجاهدی، ۱۳۷۹: ۳۸۰).

شاعر با انتخاب وزن مناسب برای شعر خود، به ارتباط هرچه بیشتر موسیقی و کلام کمک می‌کند. به طبع اوزان سنگین و حماسی با فضای اشعار عاشورایی موافق‌ترند. چنان‌که برخی با گزینش وزن ریتمیک و شاد، این مهم را نادیده می‌گیرند. چیزی که در نوحه‌ها و مداحی‌های این روزها مرسوم شده است.

هر چند شعر عاشورایی در این سال‌ها، در تمامی ابعاد رشدی قابل توجه و چشمگیر یافته است، اما هنوز تمام آنچه باید نیست و هنوز انتظارات از راویان آن حماسه‌سترگ، بزرگ است و هنوز راه تا رسیدن به مقصود دراز است.

ادبیات دفاع مقدس و فرهنگ عاشورا

یکی از تغییر و تحولات شعر معاصر علی‌الخصوص شعر جنگ، شروع جنگ تحمیلی عراق بر ایران بود که باعث شد روزنه های جدیدی در شعر این دوره ایجاد گردد و به طور کلی ادبیات مقاومت در هشت سال دفاع مقدس و پس از آن با اقبال و توجه بیش تری از سوی شاعران و نویسندگان مواجه گردید. بهبودی می نویسد: «بدون شك تحولات سیاسی و اجتماعی در هر دوره ای موجب دگرگونی های ژرف در ادبیات و هنر هر کشور خواهد شد، زیرا ادبیات و هنر با اجتماع پیوند و رابطه ای ناگسستنی دارند. از سال ۱۳۵۹ به بعد در پی حمله عراق به ایران، ادبیات با چرخشی وسیع متوجه جنگ شد. شعر در این دوره به دلیل این که راه کوتاه تری بین تحریک قرایح و آفرینش می پیماید؛ نسبت به قالب های دیگر با بسامد بیشتر استفاده شد و به خدمت جنگ درآمد» (بهبودی، ۱۳۷۳: ۸۱). اشعار در طول جنگ تحمیلی، نقش مهمی در ایجاد انگیزه و روحیه شهادت طلبی و آرمان خواهی و استقامت در رزمندگان به ویژه با تأثیرپذیری انکارناپذیر از حماسه عاشورا و قیام امام حسین (ع) در قالب های متنوع سروده شده است. شاعرانی چون جلال محمدی، نصرالله مردانی، ساعد باقری، سلمان هراتی، یوسف علی میرشکاک، مشفق کاشانی، فاطمه راکعی در غزل، حمید سبزواری، شهریار و سپیده کاشانی در قصیده، قیصر امین پور، حسن حسینی و میر هاشم میری در رباعی و دوبیتی، علیرضا قزوه، مصطفی علی پور، احمد عزیزی و علی معلم در مثنوی در زمینه شعر دفاع مقدس نقش مهمی داشتند.

ادبیاتی که در دوران جنگ به وجود آمد، نام ادبیات دفاع مقدس را بر خود گرفت. محمدرضا سنگری می گوید: «ادبیات دفاع مقدس به مجموعه نوشته ها و سروده هایی گفته می شود که درون مایه و موضوع آن ها، به مسائل هشت سال دفاع مقدس و پیامدها و تبعات آن باز گردد. ادبیات دفاع مقدس بیان هنری عشق و ایثارگری هایی است که برخی از آن ها را لااقل در دوران انقلاب اسلامی و دفاع مقدس به چشم خود دیده ایم. آثار ادبی مربوط به دفاع مقدس شامل ادبیات جبهه و ادبیات پشت جبهه، ادبیات مقاومت و ادبیات دوران اسارت است و هویت ملی و وطن پرستی نیز از دیگر شاخصه های این ادبیات است. جلوه بارز ادبیات دفاع مقدس، شعر است. شعر دوران انقلاب و جنگ تحمیلی از نظر عرفانی و ارزش های انسانی از دوره های پرافتخار شعر فارسی به شمار می رود. کاربرد مسائل فراوان سیاسی، اجتماعی، وطنی و فرهنگی به ویژه مسائل مربوط به حوزه دفاع مقدس و جنگ، از مشخصه های بارز ادبیات این دوران است» (سنگری، ۱۳۸۰، ۳: ۱۵).

شعر دفاع مقدس، دفتر و سفینه احوال، عادات، اندیشه ها، اعتقادات رزمندگان و شهدا و ایثارگران و شاعران است که در قالب محتوایی چون: ترغیب، تشویق، جهاد اصغر و اکبر، حماسه و عرفان، بیگانه ستیزی، وطن دوستی، شهادت طلبی، مبارزه با غرب زدگی و خودباختگی، مردم گرایی، خودباوری، انتقاد، مضامین اسطوره ای، تاریخی و دینی می درخشند. «این نوع از شعر آمیختگی شعر و شعر است و تجسم ستیز شعر و

شر است. موضوع شعر دفاع مقدس در بر گیرنده اندیشه‌ها و احساسات و تمایلاتی است که در برابر مظاهری چون زور، تجاوز، خونریزی، بیان شده است. در جنگ تحمیلی از سوی رژیم بعث عراق و به دنبال آن دفاع مقدس سلحشورانه مبارزان خستگی ناپذیر در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل و خلق حماسه‌های شگفت و استقامت و پایداری، جان مایه ارزشمندی است که شکوفایی و بالندگی شعر دفاع مقدس را در سال‌های پر تب و تاب جنگ و نیز بعد از آن شکوه و شفافیت داده است» (سنگری، ۲۰/۱۲/۱۳۹۲ <http://farhangi.um.ac.ir>).

در سال‌های آغازین انقلاب، اشعار شاعران این جریان، گاهی علاوه بر شعارزدگی، با تأکید بر زبان معمول، فخامت و استواری خود را از دست دادند و بدون ابهام هنری و تصویرگری و انسجام مناسب، در پی ابلاغ پیام برآمدند. این شعرها که بازتاب روح جمعی و انعکاس رخدادهای اجتماعی سیاسی بودند، اغلب متأثر از شرایط جامعه، بافت و بیانی گزارش گونه، شعارزده و روایی داشت به نحوی که فرم و ساختار بعضی از آن‌ها تحت الشعاع محتویات قرار می‌گرفت. با این همه، از اواسط دوره اول (۱۳۶۳ به بعد) هم زمان با تثبیت نسبی اوضاع، مجال بیشتری یافتند تا با رویکرد به فرم زیبایی شناسی و گرایش عمیق‌تر به جوهر شعری و ایجاد پیوند بین شاخصه‌های دینی، حماسی و اجتماعی، شعر این برهه را به مرزهایی از هویت سبکی نزدیک سازند.

در همین روزها شعر نیمایی بیشتر مورد توجه قرار گرفت.

ولی این اشعار تنها شباهت صوری با شعر نیمایی داشت و از راز و رمزهای خاص این شعر بی بهره بود. با این همه، با تثبیت گام به گام انقلاب، شعر کلاسیک غلبه یافت و قالب های کهن مانند رباعی، دوبیتی، قصیده، مثنوی، قطعه و بیشتر از همه غزل احیا شدند و مورد توجه قرار گرفتند. در واقع رویکرد سنت گرایانه انقلاب و احیا و بازخوانی سنت های دینی پاسخی شکلی و زبانی از شاعران وفادار به آرمان های خود طلب می کرد که شاعران انقلاب با احیای قالب های کهنه، در این راه موفق عمل کردند.

پس از این تکامل شعری، شعر به سمت تکامل محتوایی گام برداشت تا آنجا که می توان گفت؛ تک تک کلمات و واژگان دفاع مقدس فریاد و ارستگی، بی تعلقی، رستگاری، شکست ناپذیری، آزادی، استقلال و روحیه شهادت طلبی شهیدان را که برگرفته از فرهنگی عاشورایی با الگوپذیری از اباعبدالله الحسین (ع) بود، سر می دهد. سخنوران و ظریف طبعان حماسه ساز ایرانی با قلم عشق و ذوق هنری خود این مصادیق را بر طبق ورق دفتر شعر خود به رشته نظم کشیدند تا سینه به سینه نقل گردد و در تاریخ زبان و ادبیات این قوم دیرینه ماندگار و جاویدان بماند. تأمل و تعمق و تفکر خواننده در نکات دقیق و باریک سخن سنجان شعر دفاع مقدس سبب پرده برداری از گوهرهای ارزشمند سخن فارسی است که با ارزش های ادبیات دفاع مقدس عجین و آراسته شده است.

ص: ۸۳

فصل سوم

شاخص‌های ادبیات پایداری در نظم و نثر دفاع مقدس

اشاره

پس از بررسی و تبیین ادبیات دفاع مقدس و فرهنگ عاشورا، اکنون برای روشن شدن بیشتر مطلب، به شاخص های ادبیات پایداری در نظم و نثر دفاع مقدس می پردازیم.

الگوهای مذهبی و تاریخی

اشاره

بهره گیری از الگوهای تاریخی نیز یکی از شاخص های مهم ادبیات پایداری است. در کشور ما واقعه کربلا یکی از این الگوها است. با شروع انقلاب اسلامی، کربلا بارزترین اسوه و الگوی مبارزه شد. «اصولاً کربلا بر چهار رکن و پایه اساسی استوار است. سوگ، حماسه، پیام و شیفتگی (حب)، که ادب گذشته فارسی عمدتاً به بُعد سوگ پرداخته اند.

سوگ

آنچه پیش از هر چیز، شاعران و نویسندگان را تحت تأثیر قرار داد، همین بُعد سوزناکی کربلا است. شاید پیوند این بُعد با عاطفه- اصلی ترین محور شعر و سروده- انگیزه پرداختن به

این جنبه کربلا است. البته در طی تاریخ شیعه، تأکید امامان و بزرگان نیز به همین موضوع است که دعوت به اشک و گریه حتی بر امام حسین (ع) گواه این مسئله است. این اشک و سوز، ترجمان مظلومیت و پلی برای شناخت ظلم و نفرت نسبت به ظالم است» (سنگری، ۱۳۸۰ / ۲: ۳۳).

حماسه

«کربلا جز سوگ، جلوه گاه عظمت انسان و نمایشگاه بزرگ پاک بازی، ایستادن و نشکستن و ستیز قهرمانان و شکوهمندی آنان است. رزمی بی نظیر در پرتو اراده ای سترگ. در کربلا هزاران توجیه برای تسلیم، گریز، فتور و سستی می توان یافت؛ اما روح های آسمانی، قلب های مطمئن، نگاه های لبریز از عشق و طمأنینه و وجودهایی که هستی خویش را در هستی محبوب گم کرده اند، در برابر ازدحام نیزه و شمشیر می ایستند و حماسه ای جاودانه را رقم می زنند» (همان: ۳۳).

شیفتگی (حب)

حادثه سرخ کربلا و حماسه خونینی که اندکی بیش از یک نیمروز آفریده شد، جنگ دو قدرت ستمگر و یا نبردی بر سر آب و خاک نبود، بلکه نهضتی برخاسته از شور و شعور الهی به رهبری دردانه ای خدایی بود که علیه ستم پدید آمد. «دو عنصر اساسی معرفت و محبت، بنیاد انقلاب عظیم عاشورایی را تشکیل می دهند. شوریدگی و عشقی که در جان صحابه پاک باز کربلا

جریان دارد از آنان پروانه‌هایی بی پروا، پاک‌بازانی بی تاب و مشتاقان و شیفتگانی به مرگ ساخته است... کربلا قصه عشق و دلدادگی، در نهایت و کمال خویش است، و صحابه امام حسین (ع) آینه‌ای هستند در برابر خورشید وجود امام (همان، ۳۴-۳۵).

پیام

قصه کربلا و نهضت سیدالشهدا قضیه‌ای شخصی نیست، بلکه جریانی است تاریخی که سنت الهی محسوب می‌شود. از آنجا که امام (ع) انسان کامل و خلیفه الله است به یقین، قول و فعل و تقریر او حجت و حاکی پیام است. «کربلا پیام آور تمامی آن چیزهایی است که در زندگی انسان باید مطرح شود. آنچه روابط انسانی را سامان می‌بخشد و مسیر کمال را هموار می‌کند و بودن انسان را معنا و مفهوم می‌بخشد، در جریان کربلا پیدا و مهیاست. در کربلا ایمان، عشق، صبوری، وحدت و همدلی، پاکی و پاک‌بازی، صداقت و صمیمیت، بصیرت و معرفت، عزت و آزادی در مقابل شقاوت و شیفتگی، دنیاپرستی، خودخواهی، کج‌فهمی و جهل، ناپاکی، کفر، ذلت و اسارت ایستاده است. در نتیجه کربلا رویارویی پاک‌ترین و آزاده‌ترین انسان‌ها با ذلیل‌ترین و پلیدترین آن‌هاست. در کتاب روشن کربلا هر چه بخواهیم یافتنی است» (همان: ۳۵-۳۶). در ادامه به ذکر نمونه‌هایی از اشعار شاعران دفاع مقدس که با تأثیر از شخصیت امام حسین (ع) سروده شده است می‌پردازیم:

خوشبخت آن کسان که خدارا به وقت مرگ

با شوق کربلا ارنی گوی می شوند

با ذکر یا حسین ملاقات می کنند

آن عارفان که روی به میقات می کنند

(میرزایی، ۱۳۹۳: ۳۵).

دیشب حضور عشق را در خواب دیدم

میدان به میدان روی مین ها جای پا بود

سنگر به سنگر در جنون ره می سپردیم

تفسیر رمز یا علی (ع) را می شنیدم

از کرخه تا کارون نوای نینوا بود

در کربلایی غرق خون ره می سپردیم

(جهانپان، ۱۳۸۶: ۳۷).

فکر کردم عاشقی یعنی همین

کربلا را مکه می پنداشتم

در کنار ساحل اروند رود

دیدن جان داده‌های روی مین

مکه را در فکه می پنداشتم

من سری دیدم که روی نیزه بود...

(صفیاری، ۱۳۸۶: ۸۴).

واژه شهادت در لغت به معنای گواهی دادن، دیدن، نمونه بودن، شاهد بودن، کشته شدن در راه خدا و شهید گردیدن است و شهید، یعنی حاضر، شاهد عالم به غیب، و یکی از اسمای حسناى خدا و سرانجام کشته شدن در راه خدا و دین است. روشن است که در ادبیات ما مراد از شهادت همان کشته شدن در راه خداوند است که سبب اصلاح جامعه می گردد.

از آنجا موضوع شهادت یکی از شاخص ترین مضامین ادبیات پایداری است شهادت و شهادت طلبی است که از جمله ی عالی ترین مفاهیم ادب پایداری است و شاعران با عشق به مجاهدان نبرد که انتخابی ایثار گونه و آگاهانه در باب شهادت داشته و آن را یک ارزش برتر دانسته اند با سرودن اشعار در وصف شهید و شهادت، شهادت رزمندگان را نوعی معراج تلقی کرده که جنبه اشراقی و تجریدی در حد اعلای تمجید را داراست لذا بحث از شهیدان عموماً روحی، قدسی و عرفانی و همیشه با تکریم همراه است.

به تصویر کشیدن شهادت، ترغیب به تداوم راه شهدا، وصف شهدا حسرت به جا ماندن از کاروان شهدا و رسیدن به شهادت و ترویج فرهنگ ماندگار آن از جمله مضامینی است که شاعران دفاع مقدس در سروده هایشان، بدین مهم پرداخته اند. جلیل آهنگر نژاد در شعر «آئینه سبز درد» چنین سروده است:

در دل شب این شب متروک و سرد

این شب آشفته نامهربان

با دلی آزرده و پایبی به گل

همدم اندوه و سکوت و غم

آن که توانست و به تو دل نداد

قصه مجنون و بیابان نکرد

همدم «همت» نشد و باز گشت

بانگ خوش قافله یادش به خیر

فرصت هم کوچه مستی شدن

سیر شدن از شبخ خواب‌ها

زخمی دریاچه ماهی شدن

بال زدن با «صفر خوشروان»

مست شدن در شب دریای راز

هم نفس ساده سودا شدن

باز به یاد شب و الفجر هشت

حنجره سرخ غزل می سرود

«بانه و سردشت و مریوان» ما

در دل سرخ شب غوغای حرب

از که بجویم ره آیین تو؟

این شب لبریز غزل‌های درد

این شب دل مرده بی ناگهان

حسرت شمشیر شهادت به دل

چشم پر از حسرت صد ماتم

دل به چراغ شب محفل نداد

روبه ره مشهد «چمران» نکرد

با غم و اندوه تو دمساز گشت

شوق شب نافله یادش به خیر

مست ز آوای الستی شدن

خسته شدن از شب مرداب‌ها

دشمن تزویر و سیاهی شدن

تا به کران‌های خوش آسمان

قصه «شیرودی» و بازی دراز

در سحر عشق تو پیدا شدن

سرخ‌ترین خاطره‌ها سبز گشت

از دل خونین من و «کرخه رود»

لاله رخ از خون شهیدان ما

سبزترین خاطره «گیلان غرب»

«قصر» دل‌رامی «شیرین» تو؟

(آهنگر نژاد، ۱۳۸۴: ۱۹).

میهن دوستی

وطن و ستایش میهن از شاخصه‌های مهم در ادبیات پایداری است. «در شعر دفاع و پایداری ایران، موضوع وطن دوستی سابقه ای بسیار درخشان دارد. تطابق اندیشه‌های دینی و ملی با طرح روایت حُب الوَطَن مِنَ الْاِیْمَانِ از قول شارع مقدس دین اسلام، سبب شد تا ایرانیان در چشم انداز عشق به میهن، آرمان‌های دینی را مد نظر قرار دهند» (کاکایی، ۱۳۸۰: ۶۵). محمدجواد محبت شاعر دفاع مقدس کرمانشاهی بعد از حمله بعثیان عراق به کشورش ایران و تصرف شهرش قصر شیرین چنین گفته است:

ای مسکن مألوف من، ای شهر مظلوم

چونی به زیر یوغ دشمن آه... چونی؟

ای ساحت پربار و حاصلخیز «الوند»

«باغ فلاحت»، «دار خرما»، «بان افشار»

شیران ایران بار دیگر در کمینند

کوچندگان! «الوند» می خواند شما را

ای بسته روز و شب نظر بر فضل محبوب

دور از دیار و خانه و کاشانه تا چند؟

توش و توان و همت و یاری چو از اوست

ای سرزمین آشنایی های دیرین!

ای چشم مشتاقان ز دیدار تو محروم

دور از تو بر خصم تو بادا این زبونی

زودا ز جانبازان شود جان تو خرسند

هر گوشه ات از خاطرات خوب، سرشار

تا روبهان در سوگ حسرت وانشینند

از دل برآرید آشنا دست دعا را

فتح نهایی در دلت امید مطلوب

بیگانگان را بیش از این در خانه مپسند...

تا «کربلا» راه درازی نیست ای دوست...

ای خاک دامن گیر... آه ای قصر شیرین

(محبت، ۱۳۸۱: ۴۹).

توصیف جانبازان

از موضوعات ادبیات پایداری و شعر دفاع مقدس تجلیل از مقام شامخ جانبازان رشید اسلام است. آنان با از دست دادن عضوی از اعضای بدن خود و با درس گرفتن از نماد جانبازان، حضرت ابوالفضل عباس (ع) نهایتِ ایثار و از خود گذشتگی را نشان داده اند و بدون ادعا در نهایت صبوری در بین ما زندگی می کنند و برخی از آنان بعد از گذشت سال ها با تحمل دردها و سختی های فراوان به درجه شهادت نائل می شوند.

می دانیم که «بزرگانِ هر ملت، نمودار عظمت و بزرگی آن ملت هستند. گاه یک چهره برجسته و یک شخصیت مؤثر می تواند در حوادث بزرگ و تعیین کننده، شاهین ترازوی سرنوشت را به سمت بهروزی و پیروزی مردم کشور خود متمایل سازد و حافظ نجابت، آبرومندی و سرفرازی آنان در عرصه های جهانی و عصرهای تاریخی باشد. هنرمند و شاعر برخوردار از معرفت اجتماعی بر خود لازم می داند که این آزادگانِ سترگ ملی و مذهبی را در سروده های خود بنوازد و در شناساندن مناسب آنان به مردم روزگار خود از ظرفیت های هنری به درستی بهره گیرد» (خادمی کولایی، ۱۳۸۵: ۱۲۳).

بنابراین یکی دیگر از شاخص های ادبیات جنگ و پایداری، بیان توصیف حماسه ها و ستایش شهامت های مبارزان و جانبازان اسلام است. در کشور ما جنگی ناخواسته و نابرابر بر ملت ایران تحمیل شد و رزمندگان با تمام قدرت و توان در مقابل این تجاوز آشکار ایستادند و مردانه از وطن و شرف

خود دفاع کردند. شاعر نیز این رشادت ها و جانبازی ها را به طرز خوبی در اشعار خود به نمایش گذاشته اند. بارزترین این آسیب ها عارضه شیمیایی است که بسیاری از رزمندگان و مردم مناطق مرزی را تحت تأثیر خود قرار داده است:

چندیست جان به حجم تنت جا نمی شود

بر گر گرفتن تو نسیمی بر آتش است

دکتر که عکس های تو را دیده بود گفت:

طعنه زده به دختر تو همکلاسی اش

امواج سینۀ تو به من یاد داده است

دریای بی قرار! تو اسطوره نیستی!

جایی که عقل مانع پرواز آدمی ست

پروانه از شراره آتش به هیچ وجه

من با تو سوختم که بدانم چه می کشی

هی سرفه می کنی نفست وا نمی شود

اکسیژنی که در نفست جا نمی شود

این زخم کهنه است؛ مداوا نمی شود

این سرفه ها برای تو بابا نمی شود

دریا بدون موج که دریا نمی شود

اسطوره با مبالغه افسانه می شود

عقل تر آن کسی ست که دیوانه می شود

«پروا» نکرده است که پروانه می شود

«احساس سوختن به تماشا نمی شود»

چندیست جان به حجم تنت جا نمی شود

بر گُر گرفتن تو نسیمی بر آتش است

دکتر که عکس های تو را دیده بود گفت:

طعنه زده به دختر تو همکلاسی اش

امواج سینۀ تو به من یاد داده است

دریای بی قرار! تو اسطوره نیستی!

جایی که عقل مانع پرواز آدمی ست

پروانه از شراره آتش به هیچ وجه

من با تو سوختم که بدانم چه می کشی

هی سرفه می کنی نفست و نمی شود

اکسیژنی که در نفست جا نمی شود

این زخم کهنه است؛ مداوا نمی شود

این سرفه ها برای تو بابا نمی شود

دریا بدون موج که دریا نمی شود

اسطوره با مبالغه افسانه می شود

عاقل تر آن کسی ست که دیوانه می شود

«پروا» نکرده است که پروانه می شود

«احساس سوختن به تماشا نمی شود»

(عظیمی مهر، ۱۳۸۶: ۹۵).

ستایش رزمندگان

بیان توصیف حماسه‌ها و ستایش شهامت‌های رزمندگان اسلام، یکی دیگر از شاخص‌های ادبیات پایداری است. جنگی ناخواسته و نابرابر بر ملت ایران تحمیل شد که رزمندگان با تمام قدرت خویش در مقابل این تجاوز آشکار ایستادگی کردند؛ این استقامت در شعر و نثر پایداری به نمایش درآمد. بیان مظلومیت رزمندگان اسلام و ملت ایران در طول جنگ، بیانی است حماسی که در اشعار بسیاری از شاعران دیده می‌شود:

ز هر سو دلیران ایران وطن

به یک باره در جنب و جوش آمدند

شکستند آن بی وطن مردمان

شما ای دلیران میهن پرست

همان رادمردان دشمن شکن

چو شیر اوژنان در خروش آمدند

خدا بی خبر مردم ناتوان

که خود از شما خصم خاطی شکست

(شیروانی، ۱۳۸۴: ۱۱۹).

بر خاک غربت می‌گذارد سر کبوتر

در هر کرانه می‌رسد بر گوش دشمن

تا از عروق دشمنان جاری کند، خون

با یک پلاک گم شده امشب دوباره

در ماورای باور شب، بار دیگر

بانگ مهیب نعره الله اکبر

یک دست رگبار است و دشنه دست دیگر

دل را به دریا می زند مرد دلاور

(جهانیاں، ۱۳۸۴: ۶۳).

استناد به متون دینی و مذهبی

یکی دیگر از شاخص‌های مهم ادبیات پایداری اعتقاد به باورها و اعتقادات مذهبی مردم است. دفاع مقدس ما سرشار از نشانه‌ها و تصاویری است که اخلاص و توسل ملتی را به امامان نشان می‌دهد. ادبیات کشور ما در آن برهه از زمان، محور همه چیز را در هستی، خدا قرار داده بود و سیر به سوی حق را حرکتی لازم می‌دانست. این ادبیات، تحت تأثیر مکتب اسلام و متونی که علما نوشته‌اند با احساسی سرشار از صداقت و پاکی به این منظور دست یافته است، بدین ترتیب ادبیاتی که منطبق با متون مذهبی و دینی به خصوص تعالیم قرآن است؛ هنری می‌شود که موجب اهتزاز روح می‌گردد.

اینجا در جنگل بلوط

پشت پیرترین درخت جنگل

صدا در فضا می‌پیچد

«ان ربك لبالمصاد»

همانا خداوند پشت بلوط‌ها در کمین است هیزم شکنان را

و جنگل...؟!...

بوی غریبه‌ها می‌گیرد

این را از جنبش پوزه گرگ‌ها

می‌فهمم... (عظیمی مهر، ۱۳۸۶: ۲۴).

تحقیر و هجو دشمن

هجو و نشان دادن حقارت دشمن و کفار، یکی دیگر از شاخص‌های ادبیات پایداری است که در اسلام هم از اهمیت بالایی برخوردار است. «هجو و هزل سابقه طولانی در ادب عرب دارد. پیامبر(ص) به هجویه سمت و سویی تازه بخشیدند. ایشان پیوسته شعرا را به سرودن و ضبط اشعار خود وادار می فرمود و آن‌ها را راهنمایی می کرد که گفتار مخالفین و نسب و تاریخ نشر و نمای آن‌ها را از افراد مطلع یاد گرفته و با ذکر نقاط ضعف به مقابله برخاسته و آنان را خفیف و سرشکسته سازند. به شعرا می فرمود: دشمنان را هجو گوئید. چرا که مؤمن با جان و مال خود باید در راه خدا جهاد کند. به آن که جان محمد در قبضه قدرت اوست قسم یاد می کنم که این عمل شما چنان است که با تیرهای آتشین قلب دشمن را بشکافید و آن‌ها را نابود سازید» (سنگری، ۱۳۸۰: ۴۴).

یاران خطر کنید خدا را

بر خصم دین و ملک ببندید

از خاک پاک خویش برانید

از لوٹ ظالمان بزدايید

تا بر جهان کنید مبرهن

وقت ظفر رسید شما را

راه زمین و راه هوا را

بیگانگان بی سروپا را

در سرزمینتان همه جا را

تیه ضلال قوم دغا را

(محبت، ۱۳۸۱: ۱۰).

ترسیم چهره رنج کشیده و مظلوم مردم

یکی دیگر از شاخص‌های ادبیات پایداری، بیان مظلومیت ملت ایران در طول جنگ است. جنگ از مناطق جنگی به مناطق

غیرنظامی هم کشیده شد. بمباران های هوایی هر روز ده ها خانواده را به خاک و خون کشید. به عنوان نمونه احمد عزیزی در سروده ای که در ادامه آمده است از جنگ تحمیلی، جوانان، نوجوانان و کودکان کشته شده در حملات جنگی چنین می گوید:

جاری از سرچشمه های رود شیر

کی بینم در گلستان ولا

رو به سوی دجله قربانی کنیم

زیر زنجیر علم های کلام

السلام ای کربلای پنج ما

السلام ای راهیان کربلا

ما ز صحرائی که خون گشت آمدیم

شهر ما از حجله اکبر پر است

اصغر بغض پرستاران شده

اصغر مخلوط آهن پاره ها

اصغر در خواب بمباران شده

از زنان از مدینه آمده

دم بگیریم ای شهید ابن شهید

جاده های زیر بیرق از حریر

باز باشد راه سرخ کربلا

بر ضریحش شبنم افشانی کنیم

دسته دسته دم بگیریم السلام

السلام ای کشتزار رنج ما

ای فرات ماهیان کربلا

ما ز قربانگاه سر دشت آمدیم

از صدای ضجئه اصغر پر است

اصغر رؤیت ز دمپایی شده

اصغر چسبیده بر دیوارها

اصغر از مو شناسایی شده...

از سر قبر سکینه آمده

از کبوترهای بنیاد شهید...

جاری از سرچشمه هایت رود شیر

کی بینم در گلستان ولا

رو به سوی دجله قربانی کنیم

زیر زنجیر علم های کلام

السلام ای کربلای پنچ ما

السلام ای راهیان کربلا

ما ز صحرائی که خون گشت آمدیم

شهر ما از حجله اکبر پر است

اصغر بغض پرستاران شده

اصغر مخلوط آهن پاره ها

اصغر در خواب بمباران شده

از زنان از مدینه آمده

دم بگیریم ای شهید ابن شهید

جاده هایت زیر بیرق از حریر

باز باشد راه سرخ کربلا

بر ضریحش شب‌افشانی کنیم

دسته دسته دم بگیریم السلام

السلام ای کشتزار رنج ما

ای فرات ماهیان کربلا

ما ز قربانگاه سر دشت آمدیم

از صدای ضجئه اصغر پر است

اصغر رؤیت ز دمپایی شده

اصغر چسبیده بر دیوارها

اصغر از مو شناسایی شده...

از سر قبر سکینه آمده

از کبوترهای بنیاد شهید...

(عزیزی، ۱۳۸۷: ۱۱۶)

دعوت به مبارزه و پایداری

ادبیات پایداری، مردم را مردم خون و شهادت و تمثیلی از حماسه، ایشار و وحدت می‌داند و آنان را از تبار نور و حقیقت آزادی به شمار می‌آورد که در مقابل ظلم ایستاده اند و پرچم

پیروزی در نبرد حق علیه باطل را برافراشته و در قله های رفیع شجاعت سیر می کنند و این یکی از شاخص ها و درون مایه های ارزشمند این نوع ادبیات است و همین درون مایه، باعث شده است که در شعر شاعران دفاع مقدس، دعوت به پایداری نمود خاصی یابد.

یاران خوش است بانگ بلند خروستان

دشمن گداز نعره رها کرده در فضا

باید هراس در تن بیداد افکنید

اینک پیام دوست، به یاران سخت کوش

باطل نماندنی است، بمانید چون به حق

گر زنده اید، شادی ایمان به کامتان

پاینده باد، پایه عزت به دوشتان

شور و غرور همدلی سخت کوشتان

با آرمان زنده پر جنب و جوشتان

ای همدل آنکه نور شود، پرده پوشتان

باز است بر حقیقت حق، چشم و گوشتان

گر رفته اید، شربت توحید، نوشتان

یاران خوش است بانگ بلند خروستان

دشمن گداز نعره رها کرده در فضا

باید هراس در تن بیداد افکنید

اینک پیام دوست، به یاران سخت کوش

باطل نماندنی است، بمانید چون به حق

گر زنده اید، شادی ایمان به کامتان

پاینده باد، پایهٔ عزت به دوستان

شور و غرور همدلی سخت کوشتان

با آرمان زندهٔ پر جنب و جوشتان

ای همدل آنکه نور شود، پرده پوشتان

باز است بر حقیقت حق، چشم و گوشتان

گر رفته اید، شربت توحید، نوشتان

(محبت، ۱۳۸۱: ۷۴).

القای امید به آینده

از شاخص‌های مهم دیگر ادبیات پایداری و شعر جنگ، امید به آینده و پیروزی با روحیهٔ خودباوری و احیاء هویت اسلامی است؛ این عوامل، انگیزه ای جهت انجام کارهای بزرگ

به وسیله مردان کوچک و متعهد است که نوید فتح و ظفرند و آینده‌ای درخشان را برای مردم کشور به ارمغان می آورند. نگاه معنوی به موضوعات اجتماعی و پیوند مسائل اجتماعی با دنیایی انتزاعی، نقطه عطفی در شعر متعهد بعد از انقلاب است.

صخره کی می بیند از طوفان شکست؟

کوه پا برجاست از هر گرد باد

مرد باید بود وقت کارزار

پایمردی حاصل نظم امور

مست قدرت، ظالم از آغاز ظلم

خواست ایران را بگیرد دست کفر

همدلان، رزم آوران انداختند

بی اثر کی می شود تیر دعا؟

جان و دل باید به راه دین نهاد

با شما یاران به پیروزی رسید

نیست در انسان با ایمان شکست

یک نسیم آرد به آب، آسان شکست

مرد کی بیند ز نامردان شکست؟

هست سهم کار بی سامان شکست

دارد این آغاز، در پایان شکست

یافت در هنگامه، این فرمان، شکست

دشمنان خلق را در جان، شکست

کی فتد در آیه قرآن شکست
تا نیند هیچ وقت ایران شکست
با شمایان حصر آبادان شکست
(محمدجواد محبت، ۱۳۸۱: ۶۳).

منابع

- قرآن کریم

- ارژن، بیژن. (۱۳۶۳). در کوچه آفتاب. چاپ اول، تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.

- ارژن، بیژن. (۱۳۸۷). چهل کلید. چاپ اول، تهران: تکا.

- اکبری، منوچهر. (۱۳۷۷). نقد و تحلیل شعر دفاع مقدس. تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی

- اکرام، محمد، اقبال لاهوری. (۱۳۳۳). ارمغان پاک. تهران: معرفت.

- امین پور قیصر. (۱۳۸۸). مجموعه اشعار مروارید. تهران.

- امیری خراسانی، احمد. (۱۳۸۷). نامه پایداری. مجموعه مقالات، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس.

- انصاری، نرگس. (۱۳۸۹). عاشورا در آئینه شعر معاصر. تهران: مجتمع فرهنگی عاشورا.

- آرين پور، يحيى. (۱۳۷۳). از صبا تا نيما. جلد اول و دوم، تهران: فردا.

- آژند، يعقوب. (۱۳۶۳). ادبيات نوين ايران. تهران: اميركبير.

- آشتياني، عباس اقبال. (۱۳۸۰). تاريخ ايران. جلد اول و دوم، تهران: بهزاد.

- بختياري، نادر. (۱۳۸۷). هفتاد و سومين سر. تهران: تکا.

- بدوي، مصطفي. (۱۳۶۹). گزيده‌اي از شعر عربي. ترجمه غلامحسين يوسفی و يوسف بکار، تهران: اسپرک.

- بهبودي، هدايت الله. (۱۳۷۳). ادبيات انقلاب. مجموعه مقاله هاي سمينار بررسي ادبيات انقلاب اسلامي، تهران: سمت.

- بيابانكي، سعيد. (۱۳۹۰). نامه هاي كوفي. تهران: سوره مهر.

- بيدج، موسي. (۱۳۸۹). مقاومت و پايداري در شعر عرب از آغاز تا امروز. تهران: بنياد حفظ آثار و نشر ارزش هاي دفاع مقدس.

- تقوي، سيده سهله. (۱۳۹۲). «انقلاب اسلامي و تأثير آن در شعر معاصر». <http://www.hawzah>

- جميل، جواد. (۱۳۷۰). سانسور شده ها. ترجمه صابر امامي. تهران: حوزه هنري.

- حامدي، كيا، يوسف. (۱۳۸۹). مجموعه مقالات فرهنگ عاشورايي و ادبيات پايداري. قم: اس نبي

- حائري، سيد هادي. (۱۳۶۴). عارف قزويني شاعر ملي ايران. تهران: جاويدان.

- حسن لی، کاووس. (۱۳۸۸). گونه های نوآوری در شعر معاصر ایران. تهران: ثالث.
- حسینی، سید حسن. (۱۳۸۶). هم صدا با حلق اسماعیل. چاپ سوم، تهران: سوره مهر.
- حسینی، سید حسن. (۱۳۸۳). گنجشک و جبرئیل. تهران: افق.
- خادمی کولایی، مهدی. (۱۳۸۵). آشنای شالیزار (پژوهشی در زندگی و شعر سلمان هراتی). ساری: شفلین.
- ذاکر حسینی، عبدالرحیم. (۱۳۷۷). ادبیات سیاسی ایران در عصر مشروطیت. تهران: علم.
- سارتر، ژان پل. (۱۳۴۸). ادبیات چیست؟ ترجمه ابوالحسن نجفی. تهران: کتاب زمان.
- سایکس، پرسی. (۱۳۶۲). تاریخ ایران. ترجمه محمد فخر داعی گیلانی. تهران: علمی.
- سبزواری، حمید. (۱۳۶۸). سرود سپیده، تهران: کیهان.
- سنگری، محمدرضا. (۱۳۸۰). نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس. تهران: پالیزبان.
- سنگری، محمدرضا. (۱۳۸۵). نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس. تهران: پالیزبان.
- سهرابی نژاد، محمدرضا. (۱۳۸۷). نیلوفری های مهتابی. تهران: تکا.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۳). ادوار شعر فارسی. تهران: علمی.

- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۹۰). صورخیال در شعر فارسی. تهران: آگاه.
- شکری، غالی (۱۳۶۶). ادب مقاومت. ترجمه محمدحسین روحانی. تهران: نشر نو.
- شوقی، احمد (۱۹۹۵). الشوقیات. ج ۲، بیروت: دارالکتب العربی.
- عشقی، میرزاده. (۱۳۴۴). دیوان. تهران: امیرکبیر.
- عظیمی مهر، اصغر، رضا، حساس. (۱۳۸۴). شهر باروت و باران. تهران: صریر.
- عظیمی مهر، اصغر، فرصت صفایی، فرشاد. (۱۳۸۶). خلسه در خون. تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس.
- عظیمی مهر، اصغر، محسن. (۱۳۸۶). بلوط نام کوچک زیتون است. تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس.
- عظیم زاده، امیرعلی. (۱۳۸۷). نگاهی به تاریخچه شعر مقاومت و بررسی آن در دوره دفاع مقدس. مجله علوم انسانی، ویژه فرهنگ و ترجمه، سال ۱۶.
- غلامرضا، رحمدل شرفشاهی و همکاران. (۱۳۸۴). معماری خیال در مجموعه آتش نی. مجله علمی - پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، تابستان. شماره ۴۱، صص ۷۳-۹۴.
- فتاحی، محمدرضا. (۱۳۸۴). مشرق جان. کرمانشاه: چشمه هنر و دانش.

- فتحی، حسین. (۱۳۸۸). مجموعه اشعار حسین منزوی. تهران: نگاه.

- قزوه، علیرضا. (۱۳۸۷). سوره انگور. تهران: تکا.

- قزوینی، عارف. (۱۳۶۴). مجموعه آثار. تدوین سید هادی حائری، تهران: جاویدان

- کاشانی، مشفق. (۱۳۶۶). صلاهی غم. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- کافی، غلامرضا. (۱۳۸۱). دستی بر آتش. شیراز: نوید شیراز.

- کافی، غلامرضا. (۱۳۸۸). شرح منظومه ظهر. تهران: مجتمع فرهنگی عاشورا.

- کاکایی، عبدالجبار. (۱۳۸۰). بررسی تطبیقی موضوعات پایداری در شعر ایران و جهان. تهران: پالیزان.

- لنگرودی، شمس. (۱۳۷۰). تاریخ تحلیلی شعر نو. جلد اول، تهران: مرکز.

- محبت، محمدجواد. (۱۳۸۱). رگبار کلمات. کرمانشاه: صبح روشن.

- محمدزاده، مرضیه. (۱۳۸۳). دانشنامه شعر عاشورایی، انقلاب حسینی در شعر شاعران عرب و عجم. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- محمدی شکیب، فاطمه. (۱۳۷۸). سیر تحلیلی شعر مقاومت در ادبیات فارسی. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

- مدنی، سید جلال الدین. (۱۳۵۷). تاریخ سیاسی معاصر ایران. جلد ۱، تهران: مرکز.

- معلم دامغانی، علی. (۱۳۸۶). رجعت سرخ ستاره. تهران: سوره مهر.

- مکارمی نیا، علی. (۱۳۸۳). بررسی شعر دفاع مقدس. تهران: ترفند.

- منزوی، رحیم. (۱۳۸۴). صد سینه زن. اردبیل: فائزون.

- میر عابدینی، حسن. (۱۳۷۷). صد سال داستان نویسی ایران. تهران: چشمه.

- میرزایی، محمد سعید. (۱۳۹۳). زخم عتیق. تهران: تکا.

- هراتی، سلمان. (۱۳۸۶). آب در سماور کهنه. تهران: تکا.

خاتمه

اللهم رزقنی شفاعه الحسین، يوم الورود و ثبتنی قدم صدق عندك مع الحسین و اصحاب الحسین الذین بذلو مهجهم دون الحسین (ع) والحمد لله رب العالمین.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

